



سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

# سرکوب کارگران، حمایت از سرمایه‌داران وابسته است

وزارت کار سیری کردند ولی دریافتند که از این طریق نتیجه ای نخواهند گرفت و به تدریج به اقدامات گسترده‌تر و متشکل‌تری دست زدند. آنان برای رسیدن به حقوق مسلم خود تحصن کردند اعتصاب غذا کردند و به راهپیمایی دست زدند ولی هر بار به اشکال مختلف با تهاجم سرکوبگرانه ای روبرو شدند و در اغلب موارد توطئه گران با برچسب - های گوناگون آنان را سد راه انقلاب بقیه در صفحه ۲

## سر مقاله انقلاب در خطر نابودی است

نیروهای انقلابی از هفته‌ها پیش بارها و بارها خطر رخنه ضدانقلاب و پاسداران انقلاب گوشزد کرده بودند. ما بارها هشدار داده بودیم که توطئه گران میخواهند مردم را به صرف آن که عقاید وایدنولوژی های متفاوت و یا احساسات ملی و قومی متفاوتی دارند در برابر هم قرار دهند. می خواهند مبارزه ضد امپریالیستی ستم‌دیدگان را از جهت اصلی آن منحرف کنند و به مبارزه میان مردم تبدیل کنند. در واقع زمینه چینی های ضد انقلاب کاملا محسوس بود. روزی نبود که پرسشنامه ای بر علیه نیروهای ترقی خواه پخش نشود و در گوشه و کنار میهن تحریکات ضد انقلابی صورت نگیرد و گامی در جهت سرکوبی عقاید و اندیشه های ترقی خواهانه برداشته نشود.

مناسفانه فضای حاکم بر رادیو تلویزیون که دیو سانور را چون گذشته فرمانروای این وسیله ارتباط جمعی کرده است هرگز اجازه نداد کشتارهای نیروهای ترقی خواه و واقعیات امر به کوشش نوده های مردم برسد دولت بازگان نیز هرگز به هشدارهای نیروهای انقلابی توجه نکرد. در واقع دولت بانی اعتنائی به توصیه های انقلابیون، تقویت عناصر غیرهستول و آزاد گذاشتن محرکین، مردم را از شناخت دست های آلوده ای که در پناه دفاع از شریعت هرگونه اندیشه آزادیخواهانه و ترقی خواهانه را با چماق تکفیر، سرکوب می کند، محروم کرد. واضح است که گسترش سانور، عدم دسترسی توده های مردم به واقعیات و سوء استفاده از احساسات پاک ملی و مذهبی توده های مردم به ویژه جوانان، محیط مناسبی برای رشد فاشیسم و اختناق پدید می آورد و این درست همان چیزی است که امپریالیسم و دشمنان ایران بانفوذ در کمیته ها و دستگاههای دولتی و صفوف مردم در پی ایجاد آنند و چه هولناک است که بگوئیم تاکنون موفق هم بوده اند.

اینک عواملی که برخی دانسته و برخی ندانسته به آلت دست امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن بدل شده اند، هر روز حادثه ای شوم به وجود می آورند. آنها در پناه سانور و اختناق یکروز در کردستان و گنبد، دهقانان و زحمتکشان را به خاک و خون می کشند و روز دیگر کارگرانی را که برای رسیدن به ابتدائی ترین حقوق انسانی خود برخاسته اند در اصفهان و سایر نقاط میهن سرکوب میکنند و یا آزادیخواهان را دستگیر و شکنجه می کنند. روشن است که استعمارگران جهانی و سرمایه داران وابسته به آنها میخواهند به هر وسیله ای که شده دوباره دست و پای ستم‌دیدگان را ببندند، بردهان آزادیخواهان قفل زند، آزادیهای فردی و اجتماعی را از مردم سلب کنند و بدینسان راه تحکیم سلطه خویش را هموار کنند. و طبیعی است که در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند.

رفتار عوامل ضدانقلاب با مجاهد کبیر آیت اله طالقانی که زندگی خود را وقف مبارزه با امپریالیسم و استبداد کرده و امروز خلقهای مایبشاز هر زمان دیگری به تجربه مبارزاتی و سیاسی او احتیاج دارند، خود بهترین گواه بر آنست که دشمن ناچه حد خود را در راه عملی کردن توطئه های شوم خویش آزاد می بیند، تا کجا پیش رفته است و چه خطرات بقیه در صفحه ۲

## کارگران سخن میگویند

این روزها کارگران بیکار و خارجی کشور ما، در شهرهای مختلف، با راهپیمایی و تحصن دست به اعتراض زده اند و خواستار آنند که هر چه زودتر به وضعیت رسیدگی شود. بیکاری خاتمه یابد و حرفهایشان به گوش همه مردم کشور برسد. بقیه در صفحه ۲

## اول ماهه روز نمایش شور مبارزاتی انسانهای تحت ستم

اول ماهه فقط یک خاطره نیست، فقط یک یاد بود نیست، اول ماهه فقط یک عید کارگری نیست. روزی نیست که فقط آن را گرامی بداریم و باشکوه هر چه بیشتر برگزار کنیم. اول ماهه، چیزی بیشتر از همه اینهاست. روز اول ماهه میلیونها انسان تحت ستم باید شور مبارزاتی خود را به نمایش بگذارند و به نیروی عظیمی که در اتحاد و تشکل آنان نهفته است ایمان بیاورند. سهپوده نیست که سرمایه داران همواره از این روز و وحشت داشته اند و همواره در طنین سرودهای آن تاکنون مرگ خود را شنیده اند. سرمایه داران خوب می دانستند که اگر کارگران به نیروی عظیم خود پی ببرند و متحد و تشکل شوند، دیگر یک اقلیت نیستند و از آن بهر سرور اجازه نخواهند داد که با کمین خون رنجبران و استثمار و حشانه کارگران به زندگی انگل وار خود ادامه دهند. از همین رو سرمایه داران همواره کوشیده اند با انواع توطئه گری و تفرقه اندازیهای موزیانه و در نهایت با شقاوت و بی رحمی تمام هرگونه همگامی، تشکل و اتحاد کارگران را درهم بکوبند و هرگونه حرکت اعتراضی آنان را سرکوب کنند. بقیه در صفحه ۵

## نقد اساسنامه یک سندیکا

مدتهاست رفقای کارگر از ما می خواهند که طرحی از اساسنامه سندیکاران به بدیهه تا بر طبق آن و با تصحیح و تکمیل آن، بالاخره اساسنامه کامل تهیه و تدوین شود. مورد استفاده همه کارگران مبارزی که در جهت متشکل کردن مبارزات خود هستند قرار بگیرد.

اولین تلاشهای مادر این مورد جزوه "بحشی درباره سندیکا" بود که از جمع بندی نظرات رفقای کارگر بر اولین جلسات بحث آزاد بدست آمده بود در حقیقت از شور و هیجانی که در آن روزها همه افشار خلق و بخصوص کارگران را در بر گرفته بود، مانیز بوجد آمدیم و بجه انتشار آن با اعتقاد به ضعف ها و نقص های آن اقدام کردیم، با این امید که خود بتواند زمینه مناسبی برای بحث ها، انتقادات و اصلاحات آینده باشد. با آنکه تیراژ جزوه بسیار بالا بود و بطور وسیع منتشر شد انتقادات ناچیزی (البته نسبت به انتظارات ما) بر آن شد. در بحث های چندی که با رفقای کارگر با فعالین دیگر داشتیم و از عدم برخورد انتقادی با جزوه صحبت می کردیم همگی سطح پائین فعالیتهای سندیکائی و عدم تجربه طولانی و واقعی این گونه مبارزات را دلیل بر عدم برخورد فعال با جزوه ذکر می کردند. بقیه در صفحه ۸

## سخنی با

## هواداران سازمان

توطئه های نفاق افکنانه امپریا - امپریالیسم و ارتجاع داخلی که در طین رفتن دامنه انقلاب که موجب از بین رفتن منافع غارتگرانه اش خواهد شد - وحشت افتاده اند، تلاش می کنند بهر نحوی که ممکن است از ادامه انقلاب جلوگیری کنند. بقیه در صفحه ۷

## گزارشی از

## مبارزات کارگران بیکار اصفهان

مدتی شدتیک به دوامه است که کارگران بیکار اصفهان و حومه برای کسب حقوق خود و بازگشت به سر کار، مبارزه خود را آغاز کردند. کارگران که پس از تحمل آن همه فشار و گرسنگی جانیشان به لب رسیده است، از مدتها پیش بارها و بارها به استانداری و اداره کار اصفهان مراجعه کرده اند. اما نتیجه ای نگرفته اند. کارگران در آغاز به طور پراکنده و فردی اقدام می کردند. چیزی جز وعده به دست نیایر دند و هیچکدام از مسئولین امور هم به وعده هایشان عمل نکردند. کارگران که بدرستی پی برده بودند نمی توانند بطور فردی و بی سازمان در جهت گرفتن حقوق خود اقدام کنند، با انتخاب نمایندگان و تشکیل شورای موسس اتحادیه کارگران بیکار اصفهان و حومه به مبارزه خود شکل منظم و سازمان یافته تری دادند. در این میان بی تجربگی کارگران و عدم شناختی که از یکدیگر داشتند باعث شد که در بعضی موارد عناصر خود فروخته ای که قصدشان منحرف نمودن مسیر مبارزه کارگران بود، به درون کارگران نفوذ کنند. اما با هوشیاری کارگران، به زودی دست آنها رو شد و کارگران آنها را از صفوف خود بیرون انداختند. تحریکات عناصر ارتجاعی در جهت اختلاف انداختن در میان کارگران نیز موثر نیفتاد. بدین طریق مبارزه کارگران با تشکیل جلسات در خانه کارگر اصفهان در مسیر منطقی خود پیش رفت. بقیه در صفحه ۵

## گرامی داشت خاطره شهدای سی ام فروردین

سی ام فروردین سالروز شهادت فدائیان شهید، عزیز سردی، عباس سورکی بیژن جزنی، احمد جلیل افشار، محمد چوپان زاده، سعید کلانتری، حسن ضیاء ظریفی و مجاهدین مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانورار که در سال ۱۳۵۴ در زندان دژخیمان رژیم سابق ناجوانمردانه به جوخه اعدام سپرده شده اند گرامی میداریم. همچنین خاطره رفیق شهید علی اکبر جعفری را که در این روز با سرودهای جنگ و رهایی در راه خلق جان باخت ارج می نهیم.

آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، تهران - بانک ملی ایران شعبه دانشگاه شماره حساب ۳۲۰۹۸ بنام عباس فضیلت کلام. از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.
در این شماره: اخبار کارگری..... ۳ ادبیات کارگری..... ۴ اخبار شهروستا..... ۶ درباره حزب طبقه کارگر..... ۸

## کارگران سخن...

بقیه از صفحه اول

از این روزها در این شماره تکه هائی از بحث و گفتگوی کارگران بیکار و متحصن را درباره علت تحصن و اعتراضشان نقل می کنیم .

### همبستگی ما، ضامن پیروزی ماست

در این مملکت هیچ چیز ضامن اجرائی ندارد . ما تصمیم گرفتیم متحصن بشویم زیرا همبستگی ما ضامن پیروزی ماست . خواستار حقوق قانونی خود شده ایم و دستورات ضد کارگری را محکوم می کنیم و تا خواسته هایمان بدست نیاید تحصن رانمی شکنیم .

" من نه سال است کار کرده ام ، زحمت کشیده ام . هشت ماه است می دوم و حقم را نتوانسته ام بگیرم ، حالابه تحصن نشسته ام و حقم را می خواهم ، کاری خواهم "

" با ۲۰ سال سابقه کار ، کارگر را بیرون کرده اند ، اگر هم اعتراض کنی نه تنها حرفه ایان را بگوش مردم نمی رسانند ، بلکه به ما تهمت اخلاک هم می زنند . ما تحصن می کنیم تا اینکه زورگوئیها از بین برود . " " چرا باید به راهپیمائی کارگران اصفهان حمله کنند و آنها را به گلوله ببندند ؟ کارگران اصفهان هم مثل ماحقشان را می خواهند . آیا می خواهیم به وضع سابق برگردیم که هرکسی اعتراض کرد با توپ و گلوله روبرو شود ؟ وقتی ما کارگران را اخراج می کنند و ماهها بدون یک شاهی ، با زن و بچه گرسنه می مانیم نباید اعتراض کنیم ؟ "

" من کارگری گویم ، میخواهم هشت ساعت کار کنم تا زندگیم را بگذرانم . آیا این حرف غلط است ؟ آیا من بخاطر اینکه تحریک شده ام این حرف را می زنم ؟ خودم عقلم نمی رسد که شکم گرسنه است و نباید کارکنم ؟ به تحریک دیگری احتیاج دارم ؟ من نمی فهمم که اگر کارخانه اشرف و شهناز و غیره را ملی کنند به نفع ما کارگران است تا شکم گرسنه مان را سیر کنیم . و اگر این کارخانه های وابسته را ملی نکنند به نفع یک عده چپاولگر است ؟ در همه این موارد می گویند دیگران مرا تحریک می کنند و گرنه عقل خودم به این حرفها نمی رسد ! "

" ما قیام کردیم که حق پایمال شده مان را بگیریم ، قیام نکردیم که بخاطر خواندن یک اعلامیه یا اعتراض بیایند ما را بگیرند . اگر دولت دستور داده که اینطور زور بگیرند و به ما فشار بیاورند که ما تکلیف خودمان را بدانیم . اگر هم دستور نداده پس صراحتاً بگویند و جلو اخلاک کارگران را بگیرند "

### اتحاد و تشکل بما قدرت میدهد

گفتگو بین ۱۵ کارگر و کشاورز دریکی ازکوچه های قزاملک در تبریز در باره تحصن .

کشاوری - ( روبه سه چهار نفر کارگر قالی باف ) آخر داداش می روید باشگاه آنجا متحصن می شوید ، هیچ می دانید آنها کی هستند ؟

کارگر - کی هستند ؟  
کشاوری - آنها کمونیست هستند .  
کارگر - نه ، کارگر قالی باف هستند .  
کشاوری - از کارگران کمونیست هستند .

کارگر - کارگران قالیباف کمتر کمونیست می شوند . چون برای کمونیست شدن باید سواد داشت ، باید کتاب خواند ، آگاه شد ، فهمید کشاوری - اگر قالی بافها هم کمونیست نباشند ، آنهائی که ترتیب تحصن را داده اند و مردم را به آنجا کشانیده اند کمونیست هستند .

کارگر - در محله ما اگر وارد مسجد می شدیم ، نزدیک درب پایین به ما جانی دادند . اگر به مهمانی دعوت می شدیم ، معلوم بود ، جای ما پائین مجلس بود . ما را جمع کردند ، نماینده انتخاب کردند اما هیچ فایده ای نداشت . اما در محلی که تحصن کرده ایم پائین مجلس و بالای مجلس هردو یکی است . همه گوئی فرزند یک مادریم . برای اولین بار افرادی را می بینم که حاضرند با جان و دل به حرف ما گوش کنند . برای اولین بار ما با هم درد دل می کنیم . برای اولین بار حرفهایمان را پشت میکروفون می زنیم . برای اولین بار فهمیدیم که اتحاد و تشکل به ما چه قدرتی می دهد .

### پای در دلد چندتن از کارگران

بندر عباس - ساعت سه و نیم ( قسمتی از صنایع فولاد ) در غمر سرخ - روز ۵۸/۱/۱۵ جلو اداره کار عده ای کار می کردم . در آن موقع هنوز بندر از کارگران اخراجی برای رسیدگی به عباس شلوغ نشده بود . یکروز که ما حقوق حقه خود جمع شده بودیم . کار در حال کار کردن بودیم به ما گفتند که کرای تعریف می کرد : موقتا به علت خرابی سیمان شرکت تعطیل " پنج ماه پیش در شرکت با شیران است و باید سیمان را از شیراز بیاورند

## سرکوب کارگران ، حمایت از...

بقیه از صفحه اول

حمایت از سرمایه داران وابسته به امپریالیزم و از آنجا که دولت درصدد حفظ منافع سرمایه داران وابسته است به خواست برحق کارگران بی توجه است . دولت با حمایت از سرمایه داران وابسته به تشدید بحران افزوده است . بحرانی که با افزایش بیکاری و رکود تولیدات در صنعت و کشاورزی می تواند برای انقلاب ایران مصیبت بار باشد . از آنجائیکه کارگران و زحمتکشان چه در جریان قیام و چه بعد از آن ، مبارزان حق طلبانه خود را در جهت تأمین حداقل نیازهای زندگیشان ادامه داده اند و این امر گویای حیاتی بودن تأمین این نیاز است ، بنابراین چنانچه دولت خود را مدافع منافع مردم میدانند موظف است با قاطعیت در جهت تأمین خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان اقدامی عاجل بعمل آورد . بدینجهت لازمست هرچه سریعتر اقدامات به تشکیل صندوق بیکاری کند تا نیازهای فوری کارگران برآورده شود همچنین با ملی کردن تمام صنایع وابسته و بانکها و ایجاد صنایع مادر ، بیکاری را به سرعت کاهش دهد . اما حل مساله بیکاری و بسیاری از مسائل دیگر که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن با آن دست به گریبان هستند در چهار چوب نظام سرمایه داری وابسته برآورده نخواهد شد ، تنها با نابودی سیستم سرمایه داری و وابسته و ایجاد جامعه ای نوین و دمکراتیک ، تحت رهبری طبقه کارگر است که میتوان مشکلاتی را که زائیده نظام کنونی است ، بیکباره و برای همیشه ریشه کن کرد .

مسائل کارگران از یک طرف و ایجاد صنایع و دوستی بین کارگران و حملات گوناگون به اجتماعات آنان از طرف دیگر ، امکان تحکیم موقعیت امپریالیزم و سرمایه داران وابسته به آن را افزایش می دهد . بدیهی است که امپریالیزم برای حفظ منافع حیاتی خود در ایران از هیچ توطئه ای فروگذار نخواهد کرد و درست به همین علت است که حتی بعد از قیام شکوهمند مردم ، همچنان مبارزات بی گیر در قطع سلطه امپریالیزم و سرمایه داران وابسته به آن اجتناب ناپذیر است و قیام کارگران و زحمتکشان در راه تحقق خواسته های خود آگاهانه مبارزه می کنند به تدریج به این هدف نهائی خواهند رسید .

اینک سرکوب و اعراب کارگران در گوشه و کنار میهن تکرار می شود ، مردم از خود می پرسند که چرا دولت قاطعانه جلو توطئه گریهای سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ رانمی گیرد ؟ و چرا با وجود شواهد عینی در حملات و هشانه مرتجعین و مزدوران به اجتماع کارگران اقدامی نمی کند ؟ چرا دولت جلوی نفاق افکنی های عوامل امپریالیزم را که برای تحکیم مجدد سلطه کامل خود به انواع حیلها متوسل می شوند و به اختلافات ملی - مذهبی در بین گروهها و اقشار و طبقات مختلف دامن می زنند جلوگیری نمی کند ؟ نقش آشکار و پنهان آنان را در رهبری سرکوبها برای مردم افشا نمی کند ؟ ما بارها اعلام کرده ایم که عدم رسیدگی به خواسته های کارگران و زحمتکشان و سرکوب مبارزات حق طلبانه آنان بطور مشخص گامی است در جهت

دانستند . انقلابی که می بایست در درجه نخست حقوق محرومترین طبقات را پاس میداشت هنوز هیچ دردی از زحمتکشان دوا نکرده است .

گشتار کارگران در اصفهان و قزوین و بی توجهی به تحصن کارگران در تهران و تبریز و بندر عباس و سایر نقاط میهن که در راه تحقق خواسته هایمان به مبارزه پرداختند ، بخوبی گویای نقش توطئه های سرمایه داران وابسته و مزدوران آنها در سرکوب مبارزات کارگر است . نقشی که در رژیم پیشین بوسیله همین کارفرمایان و عوامل آنان ایفا می شد ، اکنون همان سرمایه داران وابسته با آلت دست قراردادن عده ای از عناصر ناآگاه تدریجاً توطئه های خود را در اشکال جدید طرح و اجرا می کنند و درصدد تفرقه و سرکوب همه جانبه کارگران و زحمتکشان برآمده اند . در این میان به جای آنکه به خواسته های حق طلبانه کارگران پاسخ مثبت داده شود ، کارگران را اخلاکگر و ضد انقلابی می خوانند ، سرمایه داران وابسته را دوباره برای اداره کارخانه ها دعوت می کنند .

آیا سرکوب کارگران و تقویت سرمایه داران وابسته راه تحکیم سلطه امپریالیزم راهوار نمی کند ؟ چرا آنها که با خون هزاران زحمتکش محروم روی کار آمده اند ، اکنون منافع سرمایه داران وابسته را بر منافع کارگران و زحمتکشان ترجیح می دهند ؟ کارگران ما امروز حق دارند بپرسند که دولت از منافع چه کسانی حمایت می کند ؟ تعطیل پاره ای از کارخانجات و یا واحدهائی از آنها و جلوگیری از

چندروز بعد گفتند به علت اعتصاب کارگران سیمان شیراز ، سیمان نیست و شرکت تعطیل است . حدود ۵ ماه که اعتصاب و تظاهرات بود شرکت کاملاً تعطیل شد . حالا اوضاع آرام شده و با تغییر حکومت کارگران به سرکارفته اند . من به شرکت مراجعه کردم ولی دیدم یک نفر دیگر به جای من کار می کند . دلیل آنرا پرسیدم ولی جواب درستی ندادند و حتی حقوق یکماه قبل من را پرداخت نکردند . چند روز بعد به اداره کار مراجعه کردم و جریان را در آنجا بازگو کردم ولی آنها به من توجهی نکردند و گفتند دوزخ دیگر بها ، ولی در همان جا قاشی که چند قدم آنطرفتر ایستاده بود وکت و شلوار تمیزی پوشیده بود کارش را زود راه انداختند و رفت .

خلاصه من دوزخ دیگر به اداره کار رفتم ولی آنها بازم برنامه اول را تکرار کردند و جواب درستی ندادند و همینطور تا حالا ۱۵ روز است که هر روز به اداره کار می روم ولی به حقوق من توجهی نمی کنند و نمیدانم به چه کسی مراجعه کنم .

کارگر دیگری تعریف می کرد : " در منابع طبیعی کار می کنم . در جریان اعتصابات و تظاهرات مرا هم

اخراج کردند و حقوق یکماه و نیم بهم ندادند و حالا پس از یکماه که امتضا تمام شده است به اداره کار مراجعه کردم ولی به حرف من توجهی نکردند و در حال حاضر مانند دیگر کارگران بلا تکلیف هستم . نه کار به ما می دهند و نه پول نمیدانم در این وضع بی پولی چطور زندگی کنم . در حالیکه از ادبوی می شنوم که می گویند ما به وضع کارگران رسیدگی می کنیم و حتی حقوق ماههای گذشته را هم پرداخت می کنیم ولی نه تنها حقوق کارکرد یک ماه ما را نمی دهند بلکه ما را هم اخراج کرده اند . امیدواریم به وضع ما رسیدگی کنند

کارگر دیگری می گفت : " من حدود ۱۵ سال در یک شرکت کار می کردم و در این مدت ماهیانه مبلغی را بعنوان حق بیمه و مالیات از حقوقم کسر می کردند و حالا بعد از ۱۵ سال سابقه کار اخراج کرده اند . بدون پرداخت ته صندوقی . چندین بار برای دریافت حق ته صندوقی به اداره کار مراجعه کردم ولی تاکنون جواب درستی نگرفته ام و حقوقم در حال پایمال شدن است . ( گسور بدر شاه و کسی که پول من را نمی دهد )

### بقیه سر مقاله

عظیمی انقلاب ستم پیدگان را تهدید می کند وقتی عوامل امپریالیزم آزادند بار هبران انقلاب چنین کنند ، دیگر تکلیف بقیه مردم معلوم است .

باید این واقعیت دردناک را بپذیریم که عوامل امپریالیزم و دشمنان سوگند خورده میهن اینک دوباره به هر کاری که بخواهند دست می زنند و این هشدار است به همه خلقهای ایران که ضد انقلاب در حال نابود کردن انقلاب است . باید صفوف خود را یکپارچه تر کنیم ، نفاق افکنان و انحصار طلبان را افشا کنیم و با تمام توان خود با همه مظاهر اختناق و سرکوب اندیشه که دشمن استقلال و آزادی میهن است مبارزه کنیم .

ایمان داریم که ستم پیدگان از جان گذشته ای که بندهای دیکتاتوری را از پای خود گسسته اند ، مردمیکه بخاطر کسب استقلال و آزادی ، سرکوبگرترین و مخوفترین دیکتاتوری فردی تاریخ را بگسور سپرده اند و دیگر هرگز تسلیم زورگویان و دغلاکارانی که می خواهند دوباره امپریالیزم را بر همه شئون میهن مسلط کنند ، نخواهند شد .

## تشکیل شورای موقتی

(در کارخانه داروسازی شیمیکو)

- تهران - در این کارخانه شورای موقتی کارگران مرکب از ۵ نماینده از چهار قسمت (حسابداری، آزمایشگاه، انبار و ساخت) شکل گرفته است که می خواهد وظایف زیر را تعقیب کند:
- ۱- کنترل تولید و توزیع.
  - ۲- رفع تبعیض بین کارگران.
  - ۳- تغییر قانون کار فعلی.
  - ۴- جلوگیری از اخراج کارگران.
  - ۵- ایجاد صندوق اعتصاب.
  - ۶- ایجاد شرکت تعاونی، کتابخانه، نمازخانه.
  - ۷- بهبود وضع بیمه و بهداشت.
- تهران - در این کارخانه شورای موقتی کارگران ۸- دوروز تعطیل و ۴۰ ساعت کار در هفته با پرداخت حقوق کامل.
- ۹- مرخصی سالیانه از سه هفته تا یک ماه.
- ۱۰- افزایش حقوق سالیانه کارگران مطابق با افزایش هزینه زندگی و نظارت کارگران بر آن.
- ۱۱- تشکیل جلسه کارگران و نمایندگان هر ۱۵ روز یکبار.
- ۱۲- به رسمیت شناختن حق اعتصاب و تشکیل اجتماعات کارگری.

## قطعنامه شورای کارکنان

ماشین سازی پارس (بخش اراک)

- کارگران ماشین سازی پارس (بخش اراک) از روز سه شنبه چهاردهم فروردین بعنوان اعتراض به بی توجهی مدیریت عامل ماشین سازی پارس (ترک زاده) دست از کار کشیدند و مصرا "از مدیریت عامل خواستند که در حضور کارگران به خواسته های شان در پانزدهم فروردین رسیدگی کند. مهمترین این خواسته ها شرح زیر است:
- ۱- هرگونه قراردادی که جهت کارگاهها بسته میشود باید با اطلاع شوراهای کارکنان کارگاهها باشد.
  - ۲- به شوراهای کارگاهها اجازه داده شود که در امور مالی و اداری کارگاهها نظارت داشته باشند.
  - ۳- بدون مشورت با شوراهای کارکنان کارگاهها، کارفرما حق اخراج و استخدام هیچکس را ندارد.
  - ۴- بررسی و گرفتن کار جهت کارگاهها، بطوریکه هیچ کارگاهی تعطیل نگردد و کارگری بیکار نماند.
  - ۵- قبول چهل ساعت کار در هفته.
  - ۶- تعیین حداقل حقوق برای کارگران کم درآمد با توجه به هزینه زیاد زندگی.
- ۷- محاسبه دقیق سود ویژه و پرداخت باقیمانده آن در اسرع وقت.
- ۸- تعیین حداقل سود ویژه برای کارگران کم بضاعت.
- ۹- یکسان شدن تعطیلات کارگری و کارمندی.
- ۱۰- تعیین وضعیت استخدامی کارگران و کارمندان که آيا جزو استخدام کشوری (دولتی) هستند یا بخش خصوصی.
- کارگران واحد اراک اعلام میکنند که هیچ گونه اختلافی با برادران کارگر ماشين سازی پارس بخش تهران ندارند و تبلیغات سوء عوامل کارفرما مبنی بر وجود اختلاف بین کارگران این دو بخش را بشدت محکوم میکنند و دوش بدوش کارگران دیگر بخشهای ماشين سازی پارس را راه تحقق خواسته های برحق آنان بمبارزه ادامه میدهند.
- ضمنا "کارگران ماشين سازی پارس بخش اراک صمیمانه از شورای کارکنان کارخانه و اگن سازی پارس که آنها را در گرفتن مقداری از سود ویژه و حقوق اسفند ماه خود یاری کردند تشکر مینمایند.

## پاکسازی کارخانه از عناصر ضد کارگری

تهران - کارخانه ساخت موتورهای دیزل بنز ایران. جلسه کمیته کارخانه ایدم به منظور پاکسازی کارخانه (که بر طبق اساسنامه کمیته کارخانه جزو وظایف آن است) روز ۱۱ فروردین ماه تشکیل می شود تا به پرونده های مدیران رسیدگی کرده و عناصر ضد کارگری را اخراج نماید. در این جلسه به پرونده ۱۸ نفر از مدیران رسیدگی و قرار شد به خاطر موضع ضد کارگری آنها اخراج شوند. بدین ترتیب که به ۵ گروه تقسیم شوند و به نوبت ۲-۴ نفر از آنها در هر نوبت اخراج شوند. اسم جمعریان مأمور حفاظت و امنیت و رئیس انتظامات در ردیف اول قرار داشت. کارگراها از مدتها قبل اخراج وی را می خواستند. نام یکی از مهندسين زورگوی قبلی و مدیر عامل کارخانه نیز در سری اول اخراج شده ها بود. مدیر عامل به بهانه و طایف محوله از طرف کارفرمایان اخراج افراد فوق را به مدت ۲۴ ساعت به تعویق می اندازد. نادرایس فاصله تکلیف خودش هم روشن شود. روز هجدهم فروردین مدیر عامل به کارخانه می آید و عدم امکان اجرای دستور کمیته را اعلام می کند. کمیته کارخانه هم به انتظامات دستور می دهد که از فردا با ورود و غیر اول، آنها را گرفته به کارخانه بیاورند و پس از دریافت هفتاد هزار تومان وامی که آنها قبلا دریافت کرده اند آنها را اخراج کند. دستور کارجلسه بعدی کمیته کارخانه بررسی وضع خود مدیر عامل است.

## راهپیمائی کارگران بیکار در قزوین

بیکاری دامن گیر همه شهرهای ایران است. از همه جا خبر از اعتراضات کارگران بیکار می رسد. قزوین نیز یک نمونه آن است. صبح روز هجدهم فروردین ماه تعدادی از کارگران بیکار کارخانه های مختلف قزوین اجتماع کردند و بطرف اداره کار و امور اجتماعی راه پیمائی نمودند. به کارگزارانی پیوستند که در جلو اداره کار جمع شده بودند. کارگران از میان خود چهار نفر را برای مذاکره با رئیس اداره کار انتخاب نمودند. نمایندگان کارگران بارشماره کارپیرامون مسائل کارگران از جمله اخراج از کارخانه ها، بیکاری و تعطیل کارخانه ها بگفتگو پرداختند. سپس دو نفر از نمایندگان نخست وزیری که برای تحقیق در مورد کارخانه ها به قزوین آمده بودند با نمایندگان

## کارگران خواستار ملی شدن

کارخانه خودروسازان هستند.

تهران - کارخانه خودروسازان که یکی از کارخانه های وابسته است دست باخراج کارگران زده است. هفتاد و پنج درصد سهام این کارخانه متعلق به شرکت "اوریکو" است صاحبان این کارخانه پس از اخذ مجوز مبارزات مردم بخارج فرار کردند و به مدیر عامل کارخانه گفتند که تا بازگشت آنها عده ای از کارگران مبارز کارخانه را اخراج کند و او نیز چنین کرد. پس از قیام مردم کارفرما به بهانه اینکه مواد خام نیست و ورشکست شده

است، تصمیم باخراج بقیه کارگران گرفت. تا اینکه در تاریخ پانزدهم فروردین بقیه کارگران را نیز اخراج کرد. کارگران علاوه بر اینکه معتقدند در تسویه حساب، حقوق سی و شش روز آنها پرداخت نشده است دولت وقت میخواستند که این کارخانه ملی کند و اداره آن را به شورای کارگران واگذار نماید. ناخودکار کارگران را "تولید بپردازند" کارگران بیکار سرکار باز گردند و دست زانو صفات خارجی ارملکت کوتاه شود.

## تحصن دوباره کارگران شرکت ساختمانی مسا

رشت - چون حواسته های کارگران شرکت ساختمانی مسا به قولی که مسئولین امور داده اند برآورده نشده است، کارگران مذکور مجددا "تصمیم به تحصن گرفتند. کارگران خواسته های خود را در شرح مورد شرح زیر اعلام نمودند:

- ۱- برسمیت شناخته شدن شورای کارگران بعنوان تنها مرجع صلاحیت دار جهت رسیدگی و گرفتن حقوق کارگران.
- ۲- انجام خواسته های که در اولیسن اعتصاب اعلام شده بود.
- ۳- با توجه به اقدامات رئیس اداره کار استان گیلان در جهت منافع کارفرمایان مصرا "خواستار برکنار شدن وی از مقامش

می باشیم.

۴- برای کلیه کارگران خواستار تهیه کانتین (سرویس غذاخوری) و سرویس جهت رفت و آمد کارگران هستیم.

۵- از کلیه خواسته های کارگران بیکار در رشت را بران حمایت کرده و مصرا "خواستار رسیدگی به وضع کارگران بیکار هستیم.

۶- تارسیدن به خواسته های برحق خود در کارگاه تحصن اختیار کرده و از کلیه مقامات مسئول میخواستیم هر چه سریعتر به وضع کارگران رسیدگی نمایند.

از همه کارگران و زحمتمندان و نیروهای انقلابی انتظار همکاری و حمایت داریم.

## اجتماع کارگران شرکت پوپ لین

رشت - حدود ۲۰۰ نفر از کارگران ساختمانی شرکت "پوپ لین" در دنبال قول هائی که قبلا از جانب کمیته و استانداری آنها داده شده بود. اما آنها عمل ننمودند. در مقابل شرکت اجتماع نمودند. اما شرکت بخواسته های آنها توجهی ننمود و کل کارگران

به استناداری مراجعه کردند و از استاندار خواستند که در مقابل قول قبلی خود جوابگو باشد. استاندار با هم جواب روستی به کارگران داد و قول داد که فردا با رئیس شرکت تماس بگیرد و در مورد خواسته های کارگران با او صحبت کند.

## شرکتهای نفتی آمریکائی را ملی کنید

کارگران و کارکنان شرکت نفت "لاوان" خواستار ملی شدن و خلع ید از چهار شرکت آمریکائی "سان اویل"، "یونیون اویل" "مورفی اویل" و "اتلانتیک ریجفیلد" شدند. آنها طی بیانیهای ضمن بررسی مازرات گذشته کارگران صنعت نفت، تصمیم فاطع خود را مبنی بر تشکیل شورای کارگران و مقاومت در برابر کارسکی های

عناصر ضد انقلابی اعلام داشتند.

## درگیری و مذاکرات

تهران - در پی درگیری و مذاکرات بین کارکنان شرکت ساسیاب و معدن تهران کمیکال وابسته به گروه صنعتی بهشهر با کارفرما و وزارت کار حواسته های کارکنان به شرح زیر اورسیر کار و رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهر ری مطرح گردید:

- ۱- روزانه هشت ساعت کار و در مجموع در هفته ۴۰ ساعت کار.
- ۲- پرداخت حق دوری راه سه کارکنان رورانه سه ساعت باوجه سه مسر خانه سارک که بطور منوط سه ساعت وقت کارگر تلف می شود.
- ۳- فاصله شرکت تا مرکز شهر ۵ کیلومتر است.
- ۴- رسیدگی به وضع کانتین، سوبزه آبه آب آنامدنی باید آب سالم باشد.
- ۵- دادن حق مسکن و سود ویژه و حق اولاد و حوازیار طبق قانون کار که در اینجا درست اجرا نمی شود.
- ۶- ایجاد درمانگاه و بخش اورژانس برای کمکهای اولیه بعلت ندانشن دسرسی به دکر و دوری راه.
- ۷- چون کارخانه در مجاورت معدن سولفات قرار دارد کارگران با در نظر گرفتن خطرات ناشی از کار در معدن و سی بودن مواد باسی ارمرای خاص کار در معدن برخوردار باشند.
- ۸- طرحی که کارگران توسط دو نفر از ماسدگان در ۲۰ فروردین ماه به ورر کار داده اند:
- ۹- جناب وزیر کار اطلاع دارد که قانون کار در حال بررسی است. بعلت نارسائیهائی که در قانون کار وجود دارد مسائل رهبر که از حساسیت خاصی برخوردار است عنوان می شود.
- ۱۰- بعلت ۴۸ ساعت کار سه ساعت با در نظر گرفتن قانون سیر الطلی کار و بیدادن جای خالی برای کارگران بیکار و عملی شدن ۴۰ ساعت کار در اکثر کارگاهها و کارخانجات.
- ۱۱- حذف فواس دست و پاگیر موجود در قانون کار ملی. رهبر برنامه رفاهی کارگران در نظر گرفته شده است و بگفته اکثر مسئولین، اداره کار با سر انقلابی کشور مطابقت ندارد و بوی نبد نارضایی هائی نموده است و بهانه بدست صداعلاسون و کارفرمایان داده است.

## اخراج رئیس کارخانه چینی سازی پارس

رشت - شورای کارگران کارخانه چینی سازی پارس روز نوزدهم فروردین تصمیم به اخراج رئیس کارخانه نام محمد حسین میری گرفت. نامبرده از جمله کسانی است که در سوء استفاده های مالی شرکت دست داشته

بود. دارای سوابق ضد کارگری است. شورادر این باره با مدیر عامل شرکت صحبت کرد و تصمیم گرفت که از روز دوشنبه بیست و پنجم فروردین از ورود وی بکارخانه جلوگیری شود.

# از رئالیسم اولیه تا رئالیسم انتقادی

همچنانکه از نام "رئالیسم" یا "واقعگرائی" پیداست، به واقعیت زندگی و جامعه توجه دارد و در نتیجه تغییراتی هم که در آن ایجاد میشود متناسب با تغییرات جامعه است. اگر ما بخواهیم مراحل مختلف تکامل رئالیسم را بررسی کنیم، باید ببینیم جامعه چه تغییراتی کرده است.

مابیش از این گفتیم که رئالیسم، یادرواقع مقدمه و پیش درآمد آن، موقعی پیداشد که بورژوازی ( سرمایه داری ) در درون روابط فئودالی شروع به رشد کرده بود. تکامل بعدی رئالیسم هم در رابطه با تکامل بورژوازی بود. در آن مراحل اولیه، بورژوازی در مقابل فئودالیسم قرار داشت و میخواست قید و بندهای پوسیده دست و پاگیر اشراف فئودال و زمینداران را از سر راه خود بردارد. به همین علت، بورژوازی در آن مرحله حالت مترقی و انقلابی داشت و میخواست به رشد و تکامل جامعه کمک کند تا منافع خودش بهتر تامین شود. به دو دلیل عمده ضرورت داشت که بورژوازی از پیشرفت علوم و افکار نو مترقی حمایت کند:

اول برای آنکه پیشرفت علوم بمعنای پیشرفت تکنیک و صنعت بود و به رشد سرمایه داری کمک میکرد، دوم برای آنکه از طریق مبارزه با خرافات و حمایت از افکار نو میتوانست قدرت کلیساراکه حامی سرسخت اشراف زمیندار و رسوم خرافی بود و بطور کلی قدرت فئودالیسم را تضعیف کند. به این ترتیب بورژوازی بر چمدان آزادی خواهی و نو جوئی و تجدید طلبی شد. از بین شعارهای انقلاب کبیر فرانسه یعنی " آزادی - برابری - برادری "، بورژوازی بیشتر از همه سنگ " آزادی " را به سینه میزد. ولی مفهومی که بورژوازی از " آزادی " در نظر داشت، آزادی استعمار کارگران بود، یعنی اینکه قید و بندهای پوسیده فئودالی از بین برود و سرمایه دار برای استثمار کارگران آزادی کامل داشته باشد. البته در آن مراحل اولیه هنوز کمی دقیقاً ماهیت بورژوازی رانمی شناخت و این چیزها را نمیدانست.

حالا باید دید هنر و ادبیات رئالیستی اولیه چطور تحول و تکامل پیدا کرد. در ابتدا معایب و فساد فئودالیسم در آثار ادبی نشان داده میشد و تضاد میان بورژوازی و فئودالیسم مورد بررسی قرار میگرفت. هنرمندان رئالیست که به واقعیت های جامعه توجه داشتند از همان ابتدا درک میکردند که اشراف فئودال محکوم به زوال هستند ولی در عین حال بورژوازی راهم بطور کامل نایید نمی کردند. یک فرد بورژوازمعولاً بصورت فردی تازه بدوران رسیده و بی اصل و نسب و بی فرهنگ تصویر میشد که فقط به سود و منفعت خودش فکر میکرد. اما او افکار نو و آزادی خواهان و همچنین انرژی و پشتکاری داشت که سبب میشد از اشراف با اصل و نسب و با فرهنگ " جلو بیفتد چون آنها دوستی به افکار و سنت های قدیمی چسبیده بودند و با هر نوع تغییری مخالفت میکردند. آنها دیگر حسابی پیرو فرسوده شده بودند و منتظر ساعت مرگ خود بودند که به موزه تاریخ منتقل شوند.

در دوران رئالیسم اولیه، هنرمندان کلا" به آینده خوشبین بودند و اگر هم عیب و نقی در جامعه میدیدند آن را به ناقص بودن انسان و نقی طبیعت و سرشت اون نسبت میدادند و فکر میکردند کافی است که تک انسان ها خودشان را اصلاح کنند تا جامعه هم اصلاح شود. به همین علت آثار رئالیستی غالباً " جنبه " آموزشی و پند و اندرز داشت و هنرمندان میخواستند با پیش کشیدن بحث های اخلاقی به اصلاح افراد و در نتیجه به اصلاح جامعه کمک کنند. آنها هم شعارهای آزادی خواهانه، بورژوازی را تکرار میکردند و خواستار آزادی کامل برای انسانها بودند.

مدت زیادی طول کشید تا در حدود ۲۰ سال قبل ماهیت واقعی بورژوازی و شعارهای فریبنده آن کم کم روشن شد. این در زمان انقلاب کبیر فرانسه بود، یعنی موقعی که بورژوازی فرانسه بالاخره توانسته بود برفئودالیسم پوسیده، آن کشور غلبه کند. در آن موقع که کم معلوم میشد که منظور از آزادی اینست که سرمایه دار بتواند آزاده کارگر را استثمار کند. در همان انقلاب کبیر فرانسه عده ای بودند که آزادی واقعی انسانها و برابری کامل آنها را میخواستند، اما رهبران بورژوازی که فقط آزادی استثمار کارگران برایشان معنا داشت این افراد انقلابی را به گوتین سپردند و اعدام کردند. در کشورهای دیگر هم قبل و بعد از فرانسه همین مراحل سیری شده بود. در همه جا کارگاههای کوچک بسرعت به کارخانه های بزرگ تبدیل میشد و بردگی جدیدی در کارخانه ها به کارگران تحمیل میشد که هیچ دست کمی از بردگی هزاران سال پیش نداشت.

این تغییر شرایط جامعه اثر زیادی در تکامل رئالیسم داشت. هنرمندانی که قبلاً " معایب جامعه را انتحه، نقی طبیعت انسان می دانستند، حالا این سؤال برایشان پیش آمد که نکنند برعکس باشد، یعنی عیب و نقی افراد بخاطر این ناسد که خود جامعه معایب و نقایبی دارد؟

آن خوش بینی زیاد نسبت به آینده و نسبت به اصلاح پذیری انسان ناگهان از بین رفت. نتیجه اش هم این شد که عده زیادی از هنرمندان بکلی سرخورده و مأیوس شدند و از جامعه بریدند. آنها در آثارشان به واقعیت پشت کردند و به احساسات خود و عواطف ذهنی خود و گل و بلبل و افسانه و اسطوره پناه بردند.

اما هنرمندانی که رئالیست باقی ماندند توانستند حتی از این توجه به احساسات و توصیف زندگی روحی و درونی شخصیت ها هم که در آثار دیگران وجود داشت، استفاده کنند. آنها توانستند قهرمانان آثار خود را از آن حالت خشک و بیروح قبلی بیرون بیاورند و رئالیسم بازم تکامل بیشتری پیدا کرد.

از زمانی که بورژوازی برفئودالیسم غلبه کرد و روابط سرمایه داری بر جامعه حاکم شد، رئالیسم هم وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. حالا دیگر ضعف ها و معایب بورژوازی آشکار شده بود و در آثار رئالیستی هم عمدتاً از بورژوازی و روابط غیر انسانی جدیدی که به همراه خودش آورده بود انتقاد میشد. رئالیسم این دوره را " رئالیسم انتقادی " نامیده اند که مادر شماره بعد در باره آن صحبت خواهیم کرد. تا اینجا مراحل تکامل رئالیسم برای ما روشن شد: رئالیسم اولیه، پیش از استقرار سرمایه داری بود و رئالیسم انتقادی، پس از آن. ( البته این نام ها نباید ما را به اشتباه بیندا زد و فکر کنیم که در رئالیسم اولیه، انتقاد وجود نداشته است. رئالیسم اولیه هم، همانطور که گفتیم، پیش در آمد همین رئالیسم انتقادی بود.

و اما در ایران، در زمان مشروطه که بورژوازی و رئالیسم داشتند در کنار هم رشد میکردند، هنر و ادبیات ما هم مثل خود جامعه موضع بسیار اشتغال داشت. بورژوازی مانجاری بود و در قسمت تولیدات صنعتی و کارخانه ها رشد چندانی نکرده بود به همین علت طبقه کارگر هم خیلی ضعیف و محدود بود. بورژوازی مادر آن موقع فقط میخواست با شرکت در حکومت و گرفتن مجلس و گذراندن قوانینی به نفع خودش، آزادانه تر به کسب و کارش برسد، و گرنه آنقدر قدرت نداشت که مثل زمان انقلاب کبیر فرانسه بخواهد اقتصاد کشور را هم بدست بگیرد و تغییر بدهد. بنابراین اگر بخواهیم با اروپا مقایسه کنیم، هنر و ادبیات ما باید در حد رئالیسم اولیه یا حتی از آن هم عقب تر می بود. البته از نظر ارزش هنری و ادبی واقعاً هم اینطور بود. اما در آن زمان افکار نو مترقی از طریق اروپا و بخصوص از طریق کارگران ایرانی که در قفقاز بودند به ایران منتقل میشد. در نتیجه هنر و ادبیات مادر آن دوره گاهی به بجه کوچکی شبیه بود که میخواهد حرف های گنده تر از دهان خودش بزند، یعنی از نظر ارزش ادبی در سطح خیلی پائینی بود اما از نظر مضمون و محتوا، سائلی در آن مطرح میشد که گاهی در حد رئالیسم انتقادی بود و گاهی حتی رگ های سوسیالیستی در آنها دیده میشد. این در واقع تا بهر عامل خارجی یعنی اروپا و قفقاز بود و چیزی بود که با واقعیت جامعه مادر آن زمان تناسب چندانی نداشت.

به علت اینکه در شرایط ایران زمینه پذیرش این افکار هنر و وجود نداشت، طبعاً خوب درک و فهم نمیشدند. افکار مختلف و متناقض و رنگارنگ در کنار هم حتی در آثار یک فرد واحد در آن دوره دیده میشد. مثلاً ایرج میرزا و ملک الشعرای بهار فقط آدمهای آزادی خواه و لیبرالی بودند اما گاهی در اشعار خود از زحمت کشان و رنجبران هم هواداری کرده اند طبعاً این هواداری از روی احساسات نوع دوستی بوده است و تا بهر افکار مترقی ایرانیان قفقاز را میتوان در آنها دید. به عنوان مثال ایرج میرزا شری دارد به نام " کارگر و کارفرما " که البته وقتی آنرا میخوانیم می بینیم اولاً تصویری که از یک کارگر در ذهن داشته همان تصویر رعیت یا دهقانی است که بیل میزند و نهال می کارد، ثانیاً در این شعر فقط به کارفرما نصیحت میکند که از روی کبر و غرور و خود خواهی به کارگر نگاه نکند. انگار اگر ما مهربانی کسی را استنثار نکنند، اشکالی ندارد.

یکی از خصوصیات مهم ادبیات دوران مشروطه، مبارزه با خرافات و افکار کهنه و قدیمی است. از این نظر ادبیات مشروطه به رئالیسم اولیه شباهت پیدا میکند. حتماً " شعر ملک الشعرای بهار در وصف " جهنم " با انتقادات ایرج میرزا از حجاب زن ها و قمه زدن و عزاداری و غیره را به یاد دارید. البته بهار و ایرج را در مجموع نمیتوان از اشعاران رئالیست و مردمی و مترقی آن دوره دانست. ما نویسندگان و شاعران مترقی تر و مردمی تر هم داشته ایم که در شماره بعد ضمن صحبت درباره " رئالیسم انتقادی " ( یعنی مرحله تکامل تر رئالیسم اولیه ) از آنان یاد خواهیم کرد.



## هیبات است!

کارگر، ای شرف نوع بشر،  
کارزنت، ولیکن چه ثمر؟  
می برد حاصل کارت را زد  
می دهد یک دو سه شاهی به تو مزد  
این نه مزد است، برادر! صدقه است  
مزد در جامعه، بی طبقه است  
که نه مزدور و نه مزدی دارد  
نه ستم دیده، نه دزدی دارد  
کار هر کس بود از آن همه  
سر هر سفره بود نان همه  
لیکن امروزه امر زر و زور  
شده ای برده، یک مشت ستور  
از تو باشد شرف و همت و کار  
دزد بیکاره شود بر تو سوار  
در همین جنبش یک سال اخیر  
توشکستی کمر آن بی پیر  
همت کارگر صنعت نفت  
گرمی بود، پدرگ می رفت؟  
جنگ و جان بازی و پیکار، تمام  
بود کارتو در آن روز قیام  
ولی امروز، پس از پیروزی  
چیت سهم تو؟ همان دیروزی  
انقلاب و تب و تاب و تک و دو  
باز روز از تو و روزی از تو  
باز هم حق طلبی، بی وطنی است  
پاسخ حق طلبان تودهنی است  
گاز اشک آور و نارنجک و تیر  
بود بهتر ز چماق تکفیر  
حال هر چیز که گوئی، گویند:  
" کفر و طاغوتی و زشت است و چرند  
وقت سازندگی است آقایان  
باید این توطئه یابد پایان "  
هر که حرفی بزند، ساواکی است  
حرف حق زشت تر از هتاکی است  
اصلاً انگار نه انگار که شاه  
رفتو طی شده آن روز سباه  
گرچه آن رذل، فلنکش رابست  
کارفرما که بجای خود هست!  
کرده هم بستگی اش را اعلام  
شده عاشق به اصول اسلام  
سنگ اسلام زند بر سینه  
تا که افزون بکند نقدینه  
کفر خوانده همه افکار ترا  
تا بدزدد ثمر کار ترا  
شده کارتو فقط جان کندن  
شکم مفتخوران آکندن  
پیچ را هی شل و محکم کردن  
اغنیایار خوش و خرم کردن  
زنبه را بر کج و آجر کردن  
جیب هر بی پدری پر کردن  
تا که سرمایه چنین بر تخت است  
کارگرنیز چنین بدبخت است  
وضع او خوب شود؟ هیبات است  
تا که بی " وحدت و تشکیلات " است

۵۸ / ۱ / ۱۵

از: ن. رضوان (کارگر معدن)

## کمیک کین

کمک کن ای رفیق راه سردی  
که سخی ره نگیرد سوی زردی  
کمک کن تا ننگم را بگیرم  
در آغوش ننگ خود بگیرم  
زخونم گل بروید دامن کوه ...



# گزارشی در مورد مبارزات اخیر کارگران بیکار اصفهان

بقیه از صفحه اول

کارگران خواستهای برحق و منطقی خود را در ۹ ماده تهیه کرده اند و آنرا در اختیار مقامات مسئول از جمله وزیر کار گذاشتند. خواستهای آنها عبارت بود از به رسمیت شناختن شورای کارگران بیکار، عدم جلوگیری از اجتماعات کارگران، دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده، تغییر قوانین فعلی کار و تصویب قوانین جدید. با نظر نمایندگان واقعی کارگران، آزادی اعتراضات و قانونی بودن اعتصابات، اخراج سرمایه داران و کارشناسان خارجی و مصادره اموال آنها به نفع کارگران، ۴۰ ساعت کار در هفته، و مخالفت با کلیه شرایط و ضوابط "وام کارگران بیکار".

کارگران بیکار برای اینکه همه مردم ما از خواستهای به حق آنها آگاه باشند طی اعلامیه ای در تاریخ ۲۹ اسفند خواستهای خود را به اطلاع عموم مردم رسانیدند. در این اعلامیه از جمله چنین نوشته شده است: "... در هفته گذشته خواستهای خود را در ۹ ماده به عرض آقای فروهر وزیر کار و امور اجتماعی رساندیم. اکنون که ۱ هفته از آن زمان می گذرد، هیچگونه توجهی به مسئله کار ما کارگران بیکار نشده و هیچگونه اقدام قاطعی در این مورد صورت نگرفته است."

در این اعلامیه گفته شده است که ما تا روز شنبه فروردین به مسئولین دولتی فرصت داده ایم و چنانچه به خواستهای ما رسیدگی نشود، برای بدست آوردن حقوق پامال شده خود به راههای دیگری متوسل خواهیم شد اما متاسفانه هیچگونه اقدامی برای پاسخگویی به خواستهای کارگران از جانب دولت صورت نگرفت. بنابراین در ششم فروردین حدود هفت هزار نفر از کارگران بیکار اصفهان دست به راهپیمایی زدند. بر روی پلاکاردهائی که آنها با خود حمل میکردند این عبارات جلب توجه می کرد: "بهار انقلاب بردوش زحمتکشان بود ولی ثمره آن به دیگران رسید." "ما خواهان نان، کار، مسکن و آزادی هستیم." "در مسیر راهپیمایی عده ای بسی خیر از مشکلات و درونج کارگران، به این بهانه که اینکار دسیسه خارجی و ضدانقلابی است، سعی در ازمه پاشیدن راهپیمایی کارگران داشتند و حتی رادیو تلویزیون نیز کارگران را اغتشاش طلب خواند. آیا برآستی کارگرانی که همه در مورد نقش عظیم آنها در مبارزات اخیر متفق القولند، ضدانقلابی و اغتشاش طلب هستند؟ آیا میتوان با برجسب های کذائی صدای کارگر را خفه کرد؟ اگر چنین شیوه هائسی موثر بود، رژیم گذشته چنین بی حیثیت و بی آبرو نشده بود. کسانیکه این چنین برجسبهای رذیلانه ای به کارگران می زنند یا افرادی هستند که ناآگاهانه تحت تاثیر دشمنان خلق قرار گرفته اند و سرمایه داران وابسته و عوامل امپریالیسم اند که به پیشرفت و ترقی جامعه ما علاقه ای ندارند.

کارگران انقلابی ترین طبقه هستند و پیشرفت آینده جامعه ما منبسط بانیروی بازوان آنها امکان پذیر است. در حین همین راهپیمایی و با اعتراضات متعدد کارگران در کارخانه ها و شهرهای دیگر شاهد بوده ایم که عده ای از عناصر ناآگاه با شعارهای "مرگ کمونیست" به کارگران حمله کردند. اما ببینیم کمونیستها چه می گویند که به محض اینکه کارگران در جهت احقاق حقوق خود اقدام می کنند، عده ای به مقابله با آنها برمی خیزند. کمونیستها از منافع زحمتکشان، بخصوص کارگران و دهقانان دفاع می کنند، کمونیستها مخالف هرگونه استثمار انسان از انسان هستند و کمتقدند که سرمایه داران کارگران را استثمار می کنند. بنابراین این بیعدالتی و بسیاری از بیعدالتیهای دیگر جامعه باید از بین بروند. باید ریشه های بیکاری را برکنند. کارگران که تولید کنندگان اصلی جامعه هستند باید همراه با دهقانان و زحمتکشان دیگر اداره امور مملکت را در دست داشته باشند و شرانگله ها و مفت خورهارا از سر مردم کم کنند. سرمایه داران و امپریالیسم همیشه سعی می کنند که از ناآگاهی عده ای استفاده کنند و آنها را بر علیه کمونیستها که در واقع اتهام آنها دفاع از منافع زحمتکشان است بسیج کنند. بنابراین طرح شعارهای ضد کمونیستی و ضد کارگری ناشی از ترس و وحشت امپریالیسم و سرمایه داران است که می ترسند منافعتشان به خطر بیفتد و کارگران دیگر اجازه ندهند که مثل زالو خون آنها را بمکند و روز بروز ثروتمندتر شوند.

به هرحال راهپیمایی کارگران بیکار اصفهان آنروز نیز با وعده های مکرر پایان یافت. روز ۱۵ فروردین مذاکرات تازه ای بین نمایندگان کارگران و آقای مصحف معاون استاندار صورت گرفت. معاون استاندار به نمایندگان کارگران گفت اگر با زهم دست به راهپیمایی بزنید شمارا نیز مانند سنجید سرکوب خواهیم کرد. چنین بنظر می رسد که از قبیل نقشه هائسی برای سرکوب کارگران طرح ریزی شده است. در همان روز تعدادی از کارگران توسط کمیته بازداشت شدند. عکس العمل فوری کارگران بیکار این بود که طی اعلامیه ای از همه کارگران و زحمتکشان خواستند: خواستهای آنها پشتیبانی کنند. این درس بسیار مهمی برای کارگران بود. زیرا که سیر پیشرفت مبارزه، کارگران را یکبار دیگر به این نتیجه رسانید که از کارگران و زحمتکشان بخواهند تا از آنها پشتیبانی کنند. چون دردهای همه آنان یکی است و بیکاری مسئله

همه کارگران است، بنابراین یکپارچگی و اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست. کارگران در اعلامیه ای از دولت خواستند که دوستان کارگر آنها هر چه سریعتر آزاد شوند، آزادی اجتماعات کارگری تضمین شود و به خواستهای قبلی سرپا رسیدگی شود. اما دولت پاسخ مثبتی به آنها نداد. روز هجدهم فروردین بیش از ده هزار کارگر بیکار اصفهان مجددا در خانه کارگر جمع شدند و قرار شد که مهندس "مصحف" برای مذاکره با کارگران به خانه کارگر بیاید. لیکن نامبرده در موعد مقرر در محل حاضر نشد و کارگران که خشمگین و عصبانی شده بودند تصمیم به راهپیمایی و تظاهرات و بالاخره تحصن گرفتند. هنگام تحصن مهندس "مصحف" به اتفاق یک روحانی بنام "اژه ای" به محل تحصن آمدند و با زدن برچسب ضد انقلابی قصد متفرق کردن کارگران را داشتند. کارگران نیز که از وعده های افراد نامبرده و توهین های آنها به خشم آمده بودند با فریادهای "ضد انقلابی خودت هستی" به آنها پاسخ دندان شکنی دادند. در این میان عده ای از افراد کمیته قصد داشتند که با تحریکات خود باجمعت درگیری شوند، اما کارگران با هوشیاری عمل آنها را خنثی کردند و مجددا شروع به راهپیمایی نمودند. ولی عده ای از عناصر مغرض و مرتجع در شهر شایع کردند که کارگران قصد حمله به ژاندارمری و شهرپاشی را دارند. در نزدیکی خیابان استانداری عده ای از افراد کمیته به صفوف کارگران حمله کردند و به روی کارگران آتش گشودند. بر طبق پاره ای گزارشات پنج نفر و آنطور که دقیقاً مشخص شده است یک نفر به نام ناصر توفیقیان شهید و هشت الی پانزده نفر زخمی و سیصد نفر از کارگران بازداشت شدند.

توطئه ننگینی که بر علیه کارگران صورت گرفت، یکبار دیگر ثابت می کند که عناصر ضدکارگری دست اندر کار ایجاد تفرقه و حمله به نیروهای مترقی هستند. آنها تیکه به ظاهر خود را انسان دوست نشان میدهند، چگونه به خود اجازه می دهند که به کثیف ترین روشها برای سرکوب کارگران متوسل شوند. خلق ما باید در مقابل این چنین رویدادهائی هوشیار باشد. سرکوب امروز کارگران سرکوب همه خلق را بدنبال خواهد داشت. تنها ایستادگی مردم است که می تواند ازمه را ه را برکسانیکه می خواهند با زور اسلحه صدای مردم را خفه کنند، ببنند. کارگران بیکار اصفهان پس از وقایع خونین ۱۸ فروردین این هشدار را به مردم ایران دادند. آنها سؤال می کنند که چرا هنگامیکه عده ای با چوب و چاقو و عده ای مسلح به تفنگ به کارگران حمله کردند و کارگران از سرهنگ "شریف" که در آنجا حاضر بود خواستند که جلوی این افراد را بگیرد، او هیچگونه اقدامی انجام نداد. آیا این خود بیانگر یک توطئه سرکوب بر علیه کارگران نبود؟ یکی از کارگرانی که در شب هجدهم فروردین بازداشت شده بود، به بازگو کردن حقایق می پردازد که شنیدن آن برای همه مردم مادری آموزنده است. نحوه برخورد با کارگران بقدری زننده بود که قابل تصور نیست. این کارگر را به کمیته بردند و با چشمان بسته تحت بازجویی قرار دادند. هنگامیکه او بی شیهه برخورد آنها اعتراض نمود، به وی توهین کردند. در کمیته سعی می کردند که کارگران بقبولانند که چریکهای فدائی خلق از درون کارگران به آنها شلیک کرده اند اما کارگرانیکه خود ناظر جریان واقعه بودند، نه تنها این دروغ پردازی را باور نکردند، بلکه شدیداً این اتهام را رد کردند. توسل به چنین شیوه هائی جز اینکه مشت دروغ پردازان و مغرضان را باز کند برای آنها ثمره ای نخواهد داشت. سؤالاتی که در کمیته از کارگران شده بود نظیر اینکه به چه گروهی وابسته هستید؟ چه عقیده ای راجع به انقلاب اسلامی دارید بیشتر انسان راه پاد صحنه های دردناک گذشته می اندازد. به راستی که از طرح این سئوالات بوی تفتیش عقاید می آید. کارگران بیکار اصفهان، مهندس "مصحف" معاون استاندار، پرورترو... را مسبب اصلی واقعه خونین ۱۸ فروردین می دانند و خواستار محاکمه و مجازات شدید آنها هستند.

در قطعنامه کارگران بیکار اصفهان که بدنبال وقایع ۱۸ فروردین تنظیم شده از جمله به خواستهای زیر اشاره شده است:

- ۱- محاکمه و مجازات عاملین و مسببین کشتار روز هجدهم فروردین در حضور کارگران انجام گیرد.
  - ۲- آزادی همه دوستان ما بدون قید و شرط و با معذرت خواهی از آنها.
  - ۳- دولت باید امنیت اجتماعات ما کارگران را فراهم سازد.
  - ۴- برآورده شدن خواسته های رفاهی که در قطعنامه های قبلی ذکر شده است.
- بالاخره پس از اینهمه وعده و وعید، درگیری، راهپیمایی، تظاهرات تحصن، بازداشت و به تسلوله بستن کارگران، سرانجام مسئولین امور قول دادند که هر هفته چند نفر از کارگران راه سرکار باز گردانند. با زهم باید دید که آیا خواستهای کارگران برآورده خواهد شد یا نه؟

## اول ماه مه...

بقیه از صفحه اول

اما تاریخ جنبش های عظیم کارگری در سراسر جهان نشان می دهد که نه نیرنگ و دسیسه و توطئه چینی و نه سرکوبی و حشمانه کارگران، هیچ کدام نتوانسته اند جلوی رشد طوفان زای نیروی عظیم کارگران را بگیرند و مانعی در راه تشکل و اتحاد و یکپارچگی و مبارزات قهرمانانه کارگران ایجاد کنند. کارگران سراسر جهان همواره با برگزاری پرشکوه روز اول ماه مه با یکدیگر برای سرنگونی نظام ظالمانه سرمایه داری تجدید عهد کرده اند و هر بار بانیروی بیشتر به مبارزه علیه آن برخاسته اند.

در کشور ما ایران، جشن اول ماه مه تاریخچه خاصی دارد. دهها سال حکومت اختناق و ترور که طی آن کوچکترین حرکت کارگری با گلوله پاسخ داده می شد و هیچ گونه امکان تشکل واقعی به کارگران داده نمی شد سبب شده که روز اول ماه مه حتی برای اکثر کارگران ما ناشناخته باقی بماند. کارگری که از حق حیات و زندگی هم محروم بود طبعاً آنچنان بخاطر ابتدائی ترین احتیاجات زندگی خود تحت فشار بود که نمی توانست در اندیشه اتحاد کارگران سراسر جهان و روز اول ماه مه باشد.

جشن اول ماه مه در ایران برای نخستین بار در سال ۱۲۹۹ برگزار شد. در این سال به ابتکار "شوری" مرکزی اتحادیه کارگران که از پانزده اتحادیه تشکل شده بود، تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت. این تظاهرات وسیع نشانه رشد و گسترش جنبش کارگری و سندیکائی ایران بود. بین سالهای ۱۳۰۵-۱۳۲۰ که دوران خفقان رضاخانی بود، کارگران ایران جشن روز کارگر را غالباً بطور مخفی برگزار می کردند. اتحادیه های مخفی کارگران تانداتحادیه بر قدرت کارگران صنعت نفت جنوب، مبارزات و اعتصابات گسترده کارگران راهبردی می کردند. اما از سال ۱۳۲۰ به بعد که مبارزات کارگری در ایران ابعاد گسترده تری پیدا کرده بود مراسم اول ماه مه هم بطور علنی برگزار می شد.

در سال ۱۳۲۵ در اثر اعتصاب ۱۵ هزار نفری کارگران نفت آغاچاری که دیگر کارگران نفت هم از آنها حمایت کردند، دولت وادار به تسلیم شد و خواستهای کارگران را به ظاهر پذیرفت. این خواستهای عبارت بودند از اجرای قانون ۸ ساعت کار روزانه، تعیین حداقل دستمزد و قبول تعطیل اول ماه مه بعنوان جشن کارگری اما دولت هرگز به تعهد خود عمل نکرد و تعطیل روز کارگر راهپیمای به رسمیت شناخت.

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به جنبش کارگری و سندیکائی ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد. رهبری جنبش بخاطر خصمت دنباله روی سیاست های ضد کارگری و ضد انقلابی خود نتوانست از تشکل و قدرت جنبش کارگری استفاده کند. جنبش به پراکندگی کشیده شد و پیروزی طبقه کارگر دهها سال به تأخیر افتاد. از آن به بعد دیگر جشن روز کارگر نه بصورت سری و علنی بلکه بصورت پراکنده و مخفی در کارگاهها و کارخانه ها برگزار شد.

از اواسط دهه ۴۰ به بعد، سندیکاهای مترقی مانند سندیکای فلزکار مکانیک و بافنده سوزنی وغیره، این روز را با قاطعیت تمام جشن می گرفتند. در آن سال های اختناق و سرکوب، در شب اول ماه مه اعضا گروه کوهنوردی سندیکای فلزکار مکانیک به سرپرستی رفقای کارگر شهید، اسکندر صادقی نواد و جلیل انفرادی آتش بلندی بر فراز قله توجال می افروختند. آتشی که مظهر التهاب و شور مبارزاتی کارگران دلیر ایران بود. آتشی که در حقیقت انعکاس خشم فروخورده توده بود، که از درون پيشاهنگ زبانه می کشید و نوید انقلاب را می داد.

از سال ۴۸ در اثر مبارزات بی گیر کارگران، اول ماه مه بعنوان روز کارگر به رسمیت شناخته شد. اما رژیم بقیه در صفحه ۷

### دهقانان زمین خود را پس گرفتند

تبریز نزدیک هفت سال پیش، شخصی حق مالکیتی بر زمینهای منطقه ندارد، بنام قربان ساکن تبریز، منطقه ای به نام "قتلاق خسر" در یک کیلومتری اسکوراکه بنابه سند و قباله در اختیار اهالی دهقانان دهکده مزبور بود، امام اسکو به خسر می آید و به کمک بهر دخت رشوه به رئیس پاسگاه وقت (حسینی پور) تصرف کرد. اعتراض به تیراندازی هوایی و ارباب اهالی اهالی "خسر" که ۲۵۰ خانوار را کرده بودند، قربان را با عده ای از اهالی تشکیل می دهند، طی این هفت سال به کمیته مرکزی تبریز می برند. در تبریز تنها منجر به دستگیری و زندانی شدن حدود ۸۰ نفر از آنها شده است. اهالی خسر، بدنبال هفت سال تلاش، مبارزه و ناکامی سرانجام در تاریخ ۳ فروردین امسال اقدام به دستگیری و محاکمه علی قربان زمینخوار کرده و پس از اثبات اینکه وی هیچگونه روی آن خواهند پرداخت.

### خواستهای کشاورزان و دامداران و سایر کشاورزان تمگران و فیروز آباد و منوجان جیرفت

انقلاب چیزی جز فریاد زحمتکشان بر علیه مستکبران و حاصل آن چیزی جز بر آوردن نیازهای زحمتکشان نیست. زندگی ما زحمتکشان خود انقلاب است چراکه این نیروی باوری ما زحمتکشان است که همه چیز را بوجود آورده و این حاصل دسترنج ماست که همیشه مورد غارت اربابان، زورگویان و دلالان و مورین قرار میگرفته است. ما زحمتکشان همواره عرق میریختیم و دستهایمان بینه می بست ولی زندگی ما هر روز بدتر از روز پیش می شد، چراکه حاصل پهنه دستمان و چروک صورتمان و رنگ زرد زین و فرزندمان بوسیله گروهی زورگو، دلال و بطور کلی رژیم استبدادی محمد رضاناهی که حامی این دزدان بود غارت میشد و این غارتگران سی کاروبی عا هر روز کردن کلفت تر و ظالم تر می شدند. نظریه اینکه دولت انقلابی خود را حامی

زحمتکشان میدانند ما خواستار اجرای خواستهای زیر از طرف آن دولت هستیم:

- ۱- کوتاه کردن دست کلیه سرمایه داران، دلالان، زورگویان و دزدان از دسترنج زحمتکشان.
- ۲- لغو کلیه دیون و بدهی زحمتکشان به شرکتهای تعاونی و بانک کشاورزی.
- ۳- ایجاد راه.
- ۴- پرداخت وامهای دراز مدت ۱۰ تا ۱۵ ساله برای حفراه و گسترش کشاورزی دامپروری.
- ۵- ایجاد امکانات پزشکی و بهداشتی و تأمین بیمه درمانی رایگان.
- ۶- واگذاری تراکتور به کشاورزان.
- ۷- حفراه و نصب موتور آب برای دامداران.
- ۸- خرید محصولات کشاورزان از طرف دولت به قیمتی که موجب بالا بردن سطح زندگی روستائیان گردد.

### حمله زمینداران بزرگ به روستائیان

آستارا - عظیم آقاجانی، پسر آقاجانی اومی شود. هر طرف از خانههای قدیمی آستارا با جمع آوری عدهای از افراد خود به روستائیان حمله مسلحانه کرده و زمینهای را که تقسیم اراضی شده بود به زور می گیرند آقاجانی سپس خود کمیته انقلاب تشکیل می دهد و صفر اسماعیلی معروف به صفر اسلامی که از عمال ساواک و ضد اطلاعات نیروی هوایی بوده معساون

### روستائیان طایفه نمدی

فارس - کشاورزان، دامداران، معلمان دانش آموزان و دانشجویان طایفه نمدی ایل فشافتی مراکز روستائیان با کمال، خیر آباد، بزرگان، خوریاچون جاه تزکمان طی نامه ای به ریاست

### خواستهای زارعین قریه حسین آباد

کرمان - زارعین قریه حسین آباد از توابع شهرستان کرمان طی قطعنامه ای خواستهای خود را در ۱ ماده مطرح کردند. مهمترین این خواستها عبارتند از:

### خواستهای ماکارگران، کلک های

### کارفرما و سهل انگاری شورا

گروهی از کارگران کارخانه جنرال موتورز ضمن ناراضی از کار شورای کارخانه و اعتراض به اینکه چرا شورا تشکیل جلسه نمی دهد و نمی گذارند کارگران حرفهایشان را بزنند و خواستهایشان را مطرح سازند، طی نامه ای اعلام داشتند:

بطوریکه برای ما ثابت و مسلم شده است شورای موقت با اینکه از طرف خود ماکارگران انتخاب شده اند و سودگند وفاداری خورده اند که از حقوق حقه ما دفاع کنند، برعکس می بینیم آن جنب و جوش لازم برای دفاع از حقوق کارگر را ندارند و پانمی توانند در برابر ایده های روسای کارفرما یا اعضاء سندیکای سابق مقاومت کنند. با اینکه از قانون کارگری اطلاع دقیقی ندارند. کارگران کارخانه جنرال موتورز ضمن ارسال این نامه خواستهای برحق خود را بر شریکند که مهمترین آنها به شرح زیر است:

- ۱- می خواهیم بدانیم چرا ما به التفاوت سود امسال را تا کنون برر سی نکرده در صورتیکه طبق اعلامیه خودشان سود امسال بیش از سال گذشته بوده است. ماکارگران خواستار مابقی سود سال گذشته هستیم.
- ۲- ۴۰ ساعت کار در هفته با در نظر گرفتن وقت رفت و برگشت ۳ هفته ای بیکار بعد از ظهرها برای تجمع کارگران در بحث آزاد بمنظور بالا بردن سطح آگاهی وقت بدهند، چیزیکه در زمان گذشته کارفرما ما را به این تجمع نبود.
- ۴- بهبود وضع غذا.
- ۵- ما خواستار نظارت مستقیم بر تولید کارخانه هستیم و می خواهیم بدانیم یک ماشین ساخته شده چقدر خرج بزمیدارد و چقدر سود دارد که بیشتر از این فریب نخوریم.
- ۶- ما حق داریم هر نماینده ای را که برای ماکارگران قدم برنمیدارد برکنار کنیم.

### حمله بجله سخنرانی

ساری - هفته گذشته عده ای که یکی از آنها کلک همراه داشته به یک جلسه سخنرانی در مدرسه عالی بهداشت دخترانه ساری حمله کردند و با کتک زدن حاضرین جلسه را بهم می زنند بدنبال این واقعه، یکی از جوانان مصروب جهت شکایت به کمیته امام مراجعه می کند ولی آنها جواب می دهند که کاری از دستشان ساخته نیست.

### راهپیمایی کارگران بیکار

کرمانشاه - روز جمعه ۱۷ فروردین گروهی از کارگران بیکار کرمانشاه تا محل استانداری دست به راهپیمایی زدند و کارگران خواستار کار و کمک مالی بودند. بعد از این تظاهرات، در روز شنبه کمیته امام ۶ نفر از کارگران مزبور را به اتهام اغلالگری و تحریک به انجام تظاهرات دستگیر کرد.

### قطعنامه کارگران بیکار بندر عباس

اکنون که بیش از یکماه از قیام بر شکوه ما به رهبری امام خمینی می گذرد، به همه مردم ایران و جهان مسلم شده است که ماکارگران نیروی اصلی تولید و تعیین کننده انقلاب بوده ایم و هنوز هم هستیم. با وجود پیروزی بر رژیم منقر پهلوی و عقب نشینی پشیمان غارتگر خارجیش، منافسانه از حداقل ثمرات انقلاب خود بی بهره مانده ایم، چراکه نه تنها مشاغل خود را از دست داده ایم بلکه حتی از سرکردن شک خودمان وزن و بجه مان نیز ناتوانیم و بعلت همین وضع است که به اداره کار مراجعه و خواستار به کار گماردن ما و مطرح پیشنهادی تاسیس صندوقی به نام "صندوق حق بیکاری" شده ایم.

این دو خواست اساسی و ضروری ما کارگران می باشد و بدین خاطر اکنون در این محل جمع شده ایم. امیدواریم که مسئولین امر با خواستهای به حق ما موافقت کرده تا مجبور به تحمسن و اعتصاب غذا نشویم. به خواستهای مطرح در زیر طی مدتی کافی ترتیب اثر دهید.

- ۱- تعیین و تامین محل جهت کارگران می بیکار بندر عباس
- ۲- ایجاد کار جهت کلیه کارگران بیکار و اخراجی.
- ۳- تشکیل "صندوق حق بیکاری" جهت کارگران بیکار برای تامین مخارج زندگی تا اشتغال بکار و دریافت حقوق.
- ۴- اخراج کلیه کارکنان خارجی در هر بست و مقام.
- ۵- تامین پزشکی و داروی مجانی برای کلیه کارگران و خانواده تحت تکفل آنها.
- ۶- ماکارگران هرگونه تصمیمی را که به تأیید ما و نمایندگان ما نرسد هرگز نخواهیم پذیرفت.
- ۷- ما خواستار لغو کلیه قوانین ضد کارگری رژیم منقر پهلوی هستیم.

"هیچ مالی اندوخته نمی شود مگر که در کنار آن حق گروهی ضایع شده باشد" (نهج البلاغه)

ما زمانی میتوانیم نان بگیریم که کار داشته باشیم.

### کارخانه نورد ولوله اهواز

اهواز - کارخانه نورد ولوله اهواز که متعلق به عناصر متواری رژیم سابق بوده است توسط یک کمیته ۵ نفره اداره میشود. کارگران پس از قیام، هفت نفر از عوامل رژیم سابق از جمله رئیس و معاون کارخانه را اخراج کردند. اکنون دو ماه است که کارگران حقوق

### اعتراض به پناه دادن يك مزدور

تبریز - رانندگان تریلر و کامیون و همچنین کامیونداران تبریز، روز چهارشنبه ۲۲ فروردین به منظور اعتراض به پناه دادن یک مزدور ساواکی به نام "هدایت" در منزل قاضی سرپرست کمیته امام تبریز، در یک تظاهرات آرام و بدون شعار شرکت و به طرف خانه قاضی راهپیمایی کردند. "هدایت" که در دوره شاه سابق از طرف "ارتشبدنصری" به ریاست سندیکای کامیونداران تبریز منصوب شده بود و همچنین نقش اصلی را در براب انداختن برنامه های ضد خلقی چماق بدستان محمد رضاشاهی در منطقه داشته است، در همین اواخر، بنابه گفته کامیونداران، با گردآوری گروهی از او با ش در منطقه ای به نام گرگر و نصب یک آرم بزرگ "جشن های ۲۵۰ ساله" در جاده راه را قرق کامیونهای خود و کامیونداران بزرگ کرده و به هیچ کامیون دیگری اجازه عبور نمی دهد رانندگان تصمیم به مقابله با وی میگيرند و هدایت به خانه قاضی پناهنده می شود رانندگان با اعتراض به پناه دادن این عنصر منقر مردم، خواستار تحویل وی بودند. نماینده قاضی از وجود ساواکی فراری اظهار بی اطلاعی میکند.

### تیراندازی در بیمارستان

ساری - اواخر هفته پیش یکی از اهالی ده ماچک در یک تصادف مجروح و به بیمارستان پهلوی (سابق) برسد می شود. در بیمارستان عمداً به بیمار رسیدگی نمی شود و بدنبال اعتراض یکی از پرستاران ماموران کمیته به محاذ آمده شروع به تیراندازی هوا می کنند. در پی این حادثه پرستار و پزشکان بیمارستان به عنوان اعتراض عدم اهت دست به اعتصاب زده اند.

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

بقیه از صفحه اول

# سخنی با هواداران سازمان

به هر سوطه ای دست می‌زنند تا حقوق دمکراتیکی را که مردم مبارزات خویش کسب کرده‌اند باهمال گردانند و در این راه از هیچ جنایت و خیانتی رویگردان نیستند. به تحریک احساسات پاک و مذهبی نوجوانان پرشور می‌پردازند و تحت لوای دفاع از انقلاب آنان را به حمله علیه اجتماعات نیروها متری و دفاتر سازمانهای انقلابی وا می‌دارند.

توطئه گران مرتجع با سرکردن سینه این نوجوانان ناآگاه و بیسیخ آنان برای از بین بردن حقوق دمکراتیک مردم به جنایتکارانه ترین اقدامات سر علیه نیروهای انقلابی مردم دست می‌زنند. اینان می‌خواهند خون این نوجوانان را به حربه ای علمیه آردی و دمکراسی، علیه آرمانهای طبقه کارگر و هواداران آن بدل سازند و راه رسیدن به اهداف خود که تثبیت مجدد حاکمیت کامل ارتجاع وابسته به امپریالیسم است، همراه سازند. از این رو:

۱- شیوه مادر مقابل با این توطئه ها، افشاء ماهیت ضد مردمی عناصر تحریک کننده و آگاه ساختن این جوانان فریب خورده است. مادر دفاع از دفاتر خود بسط نیروی لایزال خلق فهرا منان، همان خلقی که ساط شاه جلاد را درهم ریخت متکی خواهیم بود. تکیه بر خلق و بیداری نوده های مبارز مطمئن ترین وسیله دفاع است.

مانا آنجا که در توان داریم با تمام فوا از بروز درگیریهای مسلحانه و غیر مسلحانه با این جوانان ناآگاه و فریب خورده خودداری و جلوگیری کنیم این وظیفه ما، هواداران ما و کلیه طرفداران آزادی و دمکراسی است. این

درگیریها به سود خلق نیست و هیچگاه با تمایل خود بدان تن نخواهیم داد. ۲- در شرایط کنونی ارتقاء سطح آگاهی کارگران و سایر زحمتکشان و کوشش برای سازمان دادن و متشکل کردن آگاهترین عناصر مبارز و انقلابی و طبقه کلیه نیروهای هوادار است. اشاعه آگاهی سوسیالیستی و دمکراتیک، ترویج سوسیالیزم علمی در میان کارگران و سایر زحمتکشان، بهترین اهرم برای متشکل کردن و سازمان دادن مبارزات طبقه کارگر است. سیخ سیاسی از طریق بخش وسیع نشریات سازمان، تشکیل مجامع سخنرانی و بحث و گفتگو پیرامون مسائل سیاسی روز، توده ای ترین و همه گیرترین اهرم سیخ تشکیلاتی طبقه کارگر است.

این فعالیت باید آنچنان پیش برود که در پیرو خود بتواند زمینه تشکیل حزب طبقه کارگر را فراهم آورده و صف متشکل و مستقل طبقه کارگر را بوجود بیاورد و بتواند قدم به قدم نیروهای انقلابی را به یکدیگر نزدیکتر کرده و موضع نیروهای هوادار طبقه کارگر را به مثابه پیشگام مبارزه برای دمکراسی در بین سایر نیروهای انقلابی تثبیت کند و اتحاد مدافعان واقعی دمکراسی و آزادی تحقق یابد. از این نظر هر چه می‌باید از هرگونه درگیری و تفرقه درسی اقتصار و طبقات خلق، چیزی که ارتجاع و امپریالیسم سعی در ایجاد آن می‌کنند مطلقا پرهیز کنیم و اجتناب ورزیم.

۳- ضرورت مبارزه در راه تشکیل حزب طبقه کارگر ایجاد می‌کند که بین وظایف سوسیالیستی و دمکراتیک خود تناسبی اصولی برقرار کنیم. تکیه عمده مسئله ملی، اختصاص عمده نیروها برای پیشبرد مبارزه دمکراتیک که کم توجهی به وظایف سوسیالیستی

روی دیگر آن است، نه تنها ما را از دست یافتن به حزب طبقه کارگر بازمیدارد، بلکه مبارزه دمکراتیک را نیز سبب تضعیف خواهد کرد. ما بیسی با ترویج و تبلیغ وسیع سوسیالیستی و دمکراتیک از طریق بخش نشریات به مفاصل گسوده و سخراسها و غیره و با شرکت مستقیم و فعال در مبارزات کارگران برای تشکیل سازمانهای کارگری از قبیل اتحادیه ها سندیکاها و شوراهای متشکل کردن عناصر پیشرو آگاه کارگر، به پیش رانیم و در یک کلام، با رفتن به میان کارگران و گسترش پیوند سیاسی و تشکیلاتی آنان، تشکیل صف متشکل و مستقل طبقه کارگر را که اهرم ضروری برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و گذار به سوسیالیسم است فراهم آوریم.

۴- در شرایط اختناق و دیکتاتوری که امکان ارتباط گیری وسیع با محافل هسته ها و گروههای هوادار دشوار بود، سازمان طی رهنمودهایی تشکیل هسته ها و گروههای مستقل را سازمان را با نام گروه هوادار، توصیف کرده بود. این گروهها سربازات خاص خود داشتند که با امضا "گروه هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" منسخر می‌کردند. اما امروز که امکان ارتباط گیری با تمام این نیروها میسر شده است، هواداران باید در رابطه نزدیک و مستقیم با سازمان فرارگیرند و از شرایط مرکزی سازمان استفاده کنند و نیرو، توان و امکانات خود را در جهت تقویت ارکان مرکزی سازمان فرار دهند. امروز دیگر ادامه کار شکل گذشته، بپراکنده کاری و خرده کاری به حساب می‌آید و موجب تلف شدن نیروها خواهد شد. امروز براحثی می‌توانیم از انتشار هر نوع نشریه مستقل تحت عنوان گروه هوادار خودداری کنیم و در عوض با تقویت ارتباط خویش

سازمان فعالیت انتشاراتی خود را از مجرای سازمان پیش بریم. ۵- در برخی مناطق هواداران خود را با اقدام به تاسیس دفاتر کرده‌اند. از آنجا که بعلت نبودن ارتباط ارگانیک، کنترل سازمانی و تشکیلاتی برای دفاتر وجود ندارد، در مواردی مشاهده می‌شود که نحوه و طرز کار و برخورد با مسائل روز مره از طرف دفاتر هوادار با خط مشی و تاکتیک های سازمان هماهنگی ندارد.

در چنین شرایطی سازمان و هواداران دارای پراتیک واحد و همگون سیاسی و مبارزاتی نخواهند بود و عملا بدلیل عدم وجود ارتباط ارگانیک برخورد هواداران با مسائل مبارزاتی روزمره احتمالا در برخی موارد منطبق با خط کار سازمان نبوده و ایجاد تشتت خواهد کرد.

در شرایط حساس کوبی اکثر حرکات کاملا سنجیده و تصمیم گیریها بسیار مسئولانه و هماهنگ با حرکت همه نیروهای هوادار در سراسر ایران نباشد، میتواند مشکلات ناخواسته ای را بر سازمان و هواداران تحمیل کند. گروه های هوادار از آنجا که در یک منطقه عمل میکنند، گاه تحت تاثیر محیط خود از محاسبه روی تمام جوانب و توجه به شرایط سایر نیروها در مناطق دیگر و سرتاسر ایران بازمی‌ماند.

امروز با وضعی که سازمان و هواداران در سرتاسر ایران پیدا کرده‌اند عمل یک بخش از نیروها در یک منطقه تاثیرات منفی و مثبت خود را در سرتاسر ایران برجای می‌گذارد و وابستگی با در نظر گرفتن موقعیت سرتاسری ایران با مسائل برخورد نمودن تصمیم گیریها اکیدا با توجه به این واقعیت صورت گیرد.

لذا به هواداران توصیه می‌شود، با حرکت در جهت پیوند ارگانیک سازمان بتوانند فعالیتهاشان را همگون و پیاپی سازمان پیش برند و تا تحکیم پیوند ارگانیک خود با سازمان و تا زمانی که سازمان مسئولیت آنها را عهده نگرفته است، بدون بهره گیری از عنوان فدائی حرکت و فعالیت کنند.

عوظایف سنگینی که در فعال جیش طبقه کارگر و جیش خلق بر عهده فدائیان قرار گرفته، عملا ما را بصورت سکر عمده هواداران طبقه کارگر در آورده است. سنگینی بار وظایف روزمره، انجام بخشی از وظایف اساسی ما را عموما گذارده است. لذا باید مصمانه و بطور قاطع از عرق شدن در خرده کاری و درگیر شدن با مسائل جزئی روزمره پرهیز کنیم. توجه به رهنمودهای سیاسی و تشکیلاتی سازمان و تلاش در جهت از بین بردن هر نوع گسیختگی تشکیلاتی باید عمیقا مورد توجه هواداران سازمان قرار گیرد. تن دادن به درگیریهای ناخواسته، پذیرش بار بیش از حد توان ما را به خرده کاری می‌کشد.

دنباله روی از حوادث رارشد می‌دهد و سانسرالیزم را تضعیف می‌کند. در جیش شرایطی رابطه بین نشوری و عمل گسیخته و حرکت ما عملا فاقد خط استراتژیک می‌نود.

کلیه هواداران موظفند که با توجه عمیق و جدی به مسائل استراتژیک و بایر هیز از خرده کاری و مورد نظر قرار دادن رهنمودهای سازمان، فعالیتهای خود را هماهنگ با سازمان کرده و در جهت مستحکمتر کردن پیوند خود با سازمان کام بردارند و برای ایجاد تشکیلات واحد سرتاسری، در جهت تقویت هر چه بیشتر سانسرالیزم بکوشند.

هفته گذشته عوامل کارفرما، کوشیدند کوره های بلند کارخانه را بکار اندازند ولی با اعتراض شدید کارگران روبرو شدند.

در ضمن سندیکای کارگران بخش صنایع فولاد به منظور چگونگی مقابله با کارفرمایان با سایر سندیکاها وارد مذاکره شده است. سه شب گذشته کارگران به دعوت سندیکاها اقدام به راهپیمایی کردند که ضمن آن حواستار پرداخت دستمزدهای گذشته خود شدند.

سه همواره در کشور ما خاطره شهدای به خاک و خون خفته جهان چیت را زنده خواهد کرد. امسال کارگران ایران روز اول ماه مه را در شرایط خاصی برگزار خواهند کرد. طبقه کارگر ایران امسال تنها روز کارگر را جشن نمی‌گیرد، بلکه پیروزی خود را در مبارزات طولانی علیه رژیم ننگین پهلوی جشن خواهد گرفت. اس نار کارگران ایران با گامهای استوار به سوی پیروزی نهائی علیه سرمایه داری وابسته خارجی و در هم کوبدن هر چه کاملتر دیگر پانگاههای امپریالیسم پس خواهند رفت.

## اخبار خارجی

### اعتصاب کارگران صنایع فولاد فرانسه ادامه دارد

لورن - فرانسه بزرگترین کارخانه های فولاد کشور فرانسه می باشد ( عملا این کارخانه ها را به حالت تعطیل در آورده است. در کارخانه های بزرگ "اورسور" واقع در شهر "دون کوک" تمامی فعالیتهای صنفی منوع شده است و نزدیک به ۱۱ هزار کارگر دست از کار کشیده اند. در

## جبهه ملی آزادیبخش نیکاراگوا فعالیتهای خود را تشدید میکند

نیکاراگوا - ۱۸-۱۹ فروردین  
شاه بعد از قیام توده ای به زهری چریکهای جبهه آزادیبخش "ساندنیستا" علیه رژیم فاشیستی سوموزا، بار دیگر فعالیتهای جبهه به شکل گسترده آغاز شده است. طی ششماه اخیر برخورد های مسلحانه بین چریکهای "ساندنیستا" و گارد ملی نیکاراگوا تقریبا در تمام شهرها به وقوع پیوسته است. رهبران چریکهای "ساندنیستا" استراتژی مرحله ای این جبهه را ادامه جنگ بر علیه گارد ملی نیکاراگوا اعلام کرده اند.

### تمدید حکومت نظامی در پرو

دولت پرو "بار دیگر قانون حکومت نظامی را که بموجب آن نیروهای انتظامی می‌توانند بدون مجور قانونی عوامل مخالف رژیم را دستگیر و زندانی کنند، بعد چهار ماه دیگر تمدید کرد. با استفاده از این قانون تا بحال تعداد د کسیری از رهبران سندیکای کارگران معادن مس بازداشت شده اند. کارگران معادن مس طی سه هفته گذشته دست به اعتصاب زده بودند. همچنین در پایتخت پرو (لیما) نویسندگان و کارکنان مطبوعات برای اعتراض به سانسور عدم آزادی مطبوعات دست به اعتصاب زده اند.

### اول ماه مه روز نمایش ...

منور پهلوی که این پیروزی طبقه کارگر ایران را نمى معنواں روز کارگر به رسمت ساخته‌ند. اما رژیم منور پهلوی که این پیروزی طبقه کارگر ایران را نمى توانست تحمل کند در عمل با برنامه های ضدانقلابی و کثیف خود می‌کوشید این مراسم کارگری را لوث کند. در سال ۱۳۵۰ چند روز پیش از روز اول ماه مه، مزدوران این رژیم ننگین تظاهرات آرام و راهپیمایی اعتراضی کارگران جهان چیت را به خاک و خون کشیدند و دهها شهید و زخمی برجای گذاشتند و به این ترتیب روز اول ماه

بقيه از صفحه ۵  
منور پهلوی که این پیروزی طبقه کارگر ایران را نمى معنواں روز کارگر به رسمت ساخته‌ند. اما رژیم منور پهلوی که این پیروزی طبقه کارگر ایران را نمى توانست تحمل کند در عمل با برنامه های ضدانقلابی و کثیف خود می‌کوشید این مراسم کارگری را لوث کند. در سال ۱۳۵۰ چند روز پیش از روز اول ماه مه، مزدوران این رژیم ننگین تظاهرات آرام و راهپیمایی اعتراضی کارگران جهان چیت را به خاک و خون کشیدند و دهها شهید و زخمی برجای گذاشتند و به این ترتیب روز اول ماه

# درباره حزب طبقه کارگر

(۱)

از همان زمان که سرمایه داری در جهان پیداست، همراه با پیدایش و رشد آن دو طبقه اصلی، بورژوازی یعنی سرمایه داران و پرولتاریا یعنی کارگران مزد بگیر هم بوجود آمدند.

بورژوازی یعنی سرمایه داران، کلیه وسایل تولید را در دست خود گرفته و به مالکیت خصوصی خود در آورده اند. ولی پرولتاریا یعنی کارگران صاحب هیچ نوع وسیله تولید نیستند و تنها چیزی که دارند نیروی کار خودشان است، بنابراین مجبورند نیروی کار خودشان را در ازای مزد ناچیزی به سرمایه دار بفروشند یعنی به خدمت سرمایه دار درآیند تا بتوانند لقمه نانی کبر آورده و زنده بمانند. البته سرمایه دار دلش به حال کارگر سوسخته و اگر مزد ناچیزی به کارگر می دهد فقط به این دلیل است که کارگر زنده بماند تا بتواند دوباره از نیروی کار او برای کسب سود هر چه بیشتر استفاده کند.

کارگران بطور دسته جمعی کار می کنند و زحمت می کنند اما بهره کارشان به سرمایه دار تعلق می گیرد و خودشان از ثمره کارشان بی بهره می مانند. سرمایه دار از آنجا که وسایل تولید را به مالکیت خصوصی خود در آورده است، دسترنج کارگران را می رباید. عمارت دیگر سرمایه داران کارگران را استثمار می کنند و این اساس تضاد آنتی ناپذیری (آنتاگونیسی) است که بین کارگران و سرمایه داران وجود دارد. مبارزه کارگران علیه سرمایه داران با مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی هم محصول این نتیجه تضاد آنتی ناپذیر بین این دو طبقه است.

از همان زمان که سرمایه داری پیدا شد، مبارزه بین کارگران و سرمایه داران هم آغاز گردید. در ابتدا مبارزه کارگران بر علیه کارفرمایان جنبه فردی دارد یعنی کارگران می خواهند تک تک در برابر کارفرما فرار گرفته و حق خود را از او بگیرند اما زمانی که در برابر کارفرما قرار می گیرند از یک طرف بخواهی درمی یابند که به تنهایی کاری از دستشان ساخته نیست و نمی توانند در برابر کارفرما و دولت حامی آن کاری از پیش ببرند و طرف دیگر موجه می شوند که خواست همه کارگران یکی است، یعنی کارگران دارای خواسته های واحد و مشترکی هستند آنها اینند اتحاد کارگران در یک کارگاه و بتدریج به صورت اتحاد همه کارگران پی میبرند.

مبارزات کارگران به آنها نشان می دهد که بطور پراکنده نمی توانند مبارزه شان را علیه کارفرما به نتیجه برسانند. آنها درمی یابند که در برابر قدرت منسکل بورژوازی باید متحد می شوند. بدون شکل و بطور پراکنده هیچ کاری پیش نمی رود. نه تنها

مبارزات خود کارگران بلکه جریان تولید نیز بعلت آنکه کارگران بطور دسته جمعی و سازمان یافته در تولید شرکت می کنند، سروسنی ضرورت شکل را برای کارگران آشکار می کند.

کارگران به تدریج به ضرورت اتحاد و شکل پی میبرند و برای دفاع از حقوق صنفی خود، اتحادیه و سندیکا تشکیل می دهند. اتحادیه و سندیکا گرچه برای مبارزه طبقه کارگر ضروری و لازم است ولی چون محدود به مبارزه برای تحقق خواسته های صنفی یعنی مبارزه برای بالا بردن مزد، کاهش ساعات کار، بهتر کردن شرایط کار و مانند آن است نمی تواند برای ایجاد تغییرات اساسی در زندگی سرمایه دار گردد. چرا که تنها می تواند تغییرات جزئی در زندگی کارگران بوجود آورد. به عبارت دیگر شرایط فزونی نیروی کار را بهتر کند، ولی اساس نظام بدجندنا یعنی آن مناسباتی را که توده های مردم را تبدیل به کارگران مزد بگیر کرده است تغییر نمی دهد. این مبارزات به تنهایی نمیتواند محرک نیروی مالکیت خصوصی (مالکیت سرمایه داران بر وسایل تولید) که سرمنشا تمام بدبختی هاست گردد. سرمایه داران گرچه ممکن است در برابر مبارزه کارگران مجبور به عقب سستی هائی جزئی بشوند ولی هیچگاه از منافع اساسی خود نخواهند گذشت و برای حفظ منافع خود از هیچ جنابسی روی گردان نیستند. آنها برای حفظ منافع خود، نیروهای مسلح، دادگاهها پلیس، زندان و دستگاههای قضایی و وظایف اداری و تشکیلات سیاسی وابسته به خود ایجاد کرده اند تا بتوانند جنبش کارگری را سرکوب کنند و مانع تشکیل و بالارفتن آگاهی کارگران شوند. آنها از دولت بعنوان وسیله ای برای سرکوب کارگران استفاده می کنند، بنابراین طبقه کارگر برای اینکه بتواند مناسباتی را که موجب بدبختی اوست، یعنی نظام سرمایه داری را تغییر دهد، باید ابتدا ابزار سرکوب بورژوازی یعنی دولت مدافع منافع سرمایه داران را سرنگون سازد. کارگران زمانیکه برای احقاق حقوق خود برمی خیزند با نیروی منسکل طبقه سرمایه دار و نیروهای مسلح آن مواجه میشوند و سرکوب می گردند و به ناکافی بودن مبارزه اقتصادی و به ضرورت مبارزه سیاسی پی میبرند. و مبارزه شان ماهیت سیاسی به خود می گیرد. از آنجا که شکل صنفی کارگران (اتحادیه و سندیکا) دامنه عملش محدود به مبارزات صنفی (اقتصادی) است، نمی تواند کارگران را برای مبارزه سیاسی منسکل کند. بنابراین این کارگران برای اینکه بتوانند در برابر قدرت منسکل بورژوازی مبارزه منسکل

# نقد اساسنامه یک سندیکا

بقیه از صفحه ۱

البته اخبار فراوان و دلگسرم کننده ای از فعالیتهای سندیکائی و تلاشهای صمیمانه و جدی در جهت ایجاد سندیکا و اتحادیه بدستمان رسیده بود. اما اصول و قواعد این سندیکاهای منطقی به جز گزارش گونه هائی ندانیم، نایبکه در این یکی دو هفته اخیر رفقای کارگر چند نمونه اساسنامه پیش نویس شده یا تدوین و تصویب شده برای ما فرستادند.

هر کدام از این اساسنامه های ارسالی دارای محاسن و معایبی است که با توجه به آنها از نظر تجربه فعالیت های سندیکائی در ایران میتوانست بسیار مفید و موثر باشد. ماضی آنکه از همه رفقای کارگر دعوت می کنیم که اساسنامه های سندیکائی خود را برای ما بفرستند، از همه نشان را با ما در میان بگذارند. باشد که از درون این نظرات و انتقادات جنبش نوپای سندیکائی واقعی راه درست را پیدا کند و در جهت تکامل خود بگردد.

اولین نمونه مورد بررسی ما، پیش نویس اساسنامه کارگران صنعت نفت است که در همین ماه تهیه شده است. این اساسنامه حاوی یک مقدمه، چهار فصل و ۳۵ ماده در هفت صفحه است که با سنی در مجموع عمومی به تصویب کارگران برسد.

چون به اسنمای مقدمه و چندین ماده فصل اول، بقیه پیش نویس بیشتر به مسائل اجرایی پرداخته است، تقریباً همه بحث و اسناد مانع بر سر هم رسد و قسمت است.

۱- در مقدمه آمده است که "ما کارگران صنعت نفت به منظور... اجتماع سیاسی و اجتماعی و آگاهی کارگران از موقعیت طبقاتی و اجتماعی و سیاسی خود... تصمیم به ایجاد سندیکائی واقعی و مستقل خویش گرفته ایم.

ملاحظه می شود که این رفقا ضمن آنکه به رسالت تاریخی خود آگاه هستند و اعتدای دانش سیاسی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده اند، در عین حال تاکید کرده اند که بکنند باید سازمان سیاسی خاص خود را بوجود آورند. تنها جنبش سازمانی است که میتواند مبارزات طبقه کارگر را در زمینه های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک رهبری کرده و این مبارزات را جهت درهم شکستن دولت بورژوازی سمت دهد. تنها یک سازمان سیاسی که آگاهترین و پیشروترین کارگران را در خود متشکل کرده باشد میتواند طبقه کارگر را در مبارزه برای رهایی از اسارت و بندگی متشکل کرده و رهبری کند. این سازمان سیاسی، حزب طبقه کارگر نام دارد. در آینده درباره خصوصیات حزب طبقه کارگر بطور مفصل صحبت خواهیم کرد.

"تصمیم به ایجاد سندیکائی مستقل گرفته اند. زیرا عامل یکپارچگی و وحدت کارگران در درون سندیکاهای رنج ها، فشارها و تضیقات مشابه بر همه آنهاست. این فشار مستقل از هرگونه عقیده و مسلک بر آنها وارد می شود و چون از ستم واحدی رنج می برند، منافع واحدی نیز ندارند، منافع واحدی که از طریق شکل در سندیکاهای مستقل در پی تأمین آن هستند.

سپس به تعریف سندیکائی واقعی پرداخته اند: "سازمان صنفی غیرانتفاعی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است"، "که از منافع و خواسته های صنفی سیاسی کارگران و زحمتکشان در مقابل هدف استثمار گرانه کارفرمایان دفاع می کند. این تعریف عام است یعنی همه سندیکاهای واقعی اینگونه هستند، همه علیه کارفرما هستند، اما این سندیکاهای خاص، سندیکائی کارگران شرکت ملی نفت ایران در مقابل کدام کارفرما یا کارفرمایان از منافع کارگران دفاع خواهد کرد؟ بهتر نبود روش گفته می شد در مقابل هیئت مدیره شرکت ملی نفت، آنگاه به نکته بسیار ارزنده ای اشاره شده است. شیوه کار نمایندگان واقعی چگونه است؟ از اینک طرف "می بایستی در تماس نزدیک و دائم با کارگران و محیط کار باشد تا هیچگاه از محیط کار و شرایط مشقت بار آن بیگانه نشود" و این اصلی بسیار اساسی و دقیق است که کارگران بدرستی بر آن تاکید کرده اند و از طرف دیگر هر زمان که روحیه کارگری آنان از دست برود و نسبت به منافع کارگران بی تفاوت شوند، در کنار گذاردن آنها از طرف کارگران نمی بایست کمترین شک و تردید و درنگی بشود "و این نیز از اصول اولیه دموکراسی است. نماینده نا لحظه ای نماینده است که در جهت خواسته های انتخاب کنندگان فعالانه بکوشد و از لحظه ای که حرکتش کند شود یا نتواند موضع قاطع و درستی بگیرد، عملاً کنار رفته و باید انتخاب کنندگان بتوانند رسماً هم او را برکنار کنند.

در ضمن متذکر می شویم که اساسنامه تعریفی از "مجمع عمومی" بدست نداده است و فقط بر شیوه برگزاری آن تاکید کرده است. در حالیکه بهتر بود حداقل گفته می شد: مجمع عمومی عالیترین ارگان تصمیم گیری سندیکا است. و مسلماً بدنبال این تعریف دیگر چنان قاطع تصمیم گیری در مورد اخراج اعضا به شوراهای اجرایی و اگذار نمی شد بلکه حداقل به کارگر عضو سندیکا این فرصت داده می شد که شکایت خود را در مورد اخراج به هیئت بازرسان (که قدرت دعوت مجمع عمومی فوق العاده را دارد. ماده ۱۵ بند ۲۱) یا مجمع عمومی عادی ارائه دهد.

و نظر مجمع را در این مورد بخواهد.

۲- به فصل اول تحت عنوان "حوزه فعالیت، هدف و وظایف" بپردازیم. در بند اول رفقا به نکته بسیار ارزنده و بااهمیتی توجه کرده اند: "تأمین منافع حرفه ای و بهبود وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کارگران عضو، با توجه به قوانین مترقی مربوط به کارگران در سطح جهان".

قوانین مترقی کار ضرورت روز است قانون کار قانون نظام شاهنشاهی است و باید به همراه آن نظام دخی شود و قانونی مترقی ترین قوانین جهان توسط خود کارگران تدوین (بند ۱ ماده ۳ اساسنامه) وزیر نظارت آنها اجرا شود. و این خواست همه کارگران ایران است.

در بند چهارم با ماکان وحدت با سایر سندیکاهای وابسته به صنایع نفت در جهت تشکیل اتحادیه اشاره شده است به امید روزیکه از اتحادیه هائی که کنفدراسیون کارگری برای نامیدن منافع صنفی - سیاسی طبقه کارگران بوجود آید.

بند ۵- همانطوریکه در مقدمه نیز ذکر شده است، وظیفه مرم و بسیار حیاتی کارگران مبارز عبارتست از "با بردن سطح دانش سیاسی و اجتماعی کارگران عضو". خوب می دانید که توده ها و بخصوص طبقه کارگر در این دوران پس از قیام "تشنه آگاهی" است و شمامه به سهم خود می توانید او را سیراب کنید. شما کمک گرفتن از بند ۷ وظایف اساسنامه می توانید از امکان تاسیس مراکز فرهنگی و آموزشی باشگاههای کارگری، کتابخانه ها و سالنهای کنفرانس روزنامه، خبرنگار مجله و غیره به نحو کاملتری در جهت وظیفه خطیرتان بکار گیرید و آنوقت در مقابل کلیه اقداماتی که مفاخر با منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کارگران است از جانب هردستگاهی که باشد دست به "افشاگری" بزنید.

(بند ۸)

اساسنامه در بند ۱۳ خواستار "نظارت بر اداره اکتشاف، استخراج، پالایش، پخش و فروش فرآورده های نفتی و حق دخالت در تعیین مسئولین امور مربوطه فوق شده است. بهتر بگوئیم خواسته شده است که کارگران گامی در جهت منافع طبقاتی خود به پیش بردارند. این آرزوی همه طبقات و اقشار خلقی ایران است. دستهای توانای شما کارگران قادر است که همانطوریکه گلتوی استبداد را بشرد، سرانجام امپریالیزم را نیز خفه کند. زیرا آگاهی شما در حدی است که مسائل را در بعد جهانی آن دیده و لزوم ایجاد کمیته مسائل بین المللی را مطرح کرده اید. و ما به توانائی شما کارگران ایمان داریم. زیرا حربه کلرائی در اختیار شماست، قطع شریان حیاتی اقتصاد کشور و شما حقانیت و تثبیت این حربه "اعتصاب" را در بند ۱۵ فصل وظایف گنجانیده اید.

# اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم